انشعاب در گروه‌های موجود می‌گردد و تفرقه و تضاد از این راه دامن زده می‌شود .

در روند پیدایش احزاب اسلامی افغانستان می‌توان گفت‌که‌تعدد حزبی در آغاز قیام ، مثبت و سازنده بود اما رفته رفته این تعدد بخاطر شرایط و عوامل ویژهٔ سیاسی ـ اجتماعی افغانستان ، وجههٔ منفی‌وتخریبی پیدا نمود و به اختلافات حاد سیاسی و درگیریهای فرعی‌وداخلی‌انجامید که اثرات سوء آن در سطح جامعه برای همه مشهود است و درآینده هم توضیح خواهیم داد .

بنابراین از همان سال ۱۳۵۸ یعنی یکسال پس از کودتای روسها و آغاز قیام اسلامی و تشکیل احزاب و سازمانهای متعدد ، در کنار سایر فعالیتهای سیاسی و نظامی ، تلاشهایی برای رفع این تعدد و هماهنگ ـ ساختن نیروهای مبارز آغاز گردید که اغلب این تلاشها ، منجربه شکست شده و ثمرهٔ مطلوبی نداد اما در مجموع حرکتی بود مثبت برای ابراز انزجار و نارضایتی از وضعیت‌موجود و رسیدن به وضعیت‌مطلوب که ذیلا این تلاشها وحرکتهای وحدت‌طلبانه در طول یکدهه یعنی‌از ۵۸ تا۶۷ بطور خلاصه ذکر می‌گردد:

۱ـ جبههٔ آزادی‌بخش انقلاب اسلامی افغانستان :این جبهه در زمستان‌سال ۵۸ مرکب از ده گروه شیعی زیر تشکیل گردید :

۱ـ حرکت اسلامی افغانستان

۲ـ نهضت اسلامی افغانستان .

۳ـ سازمان نصر افغانستان

۴ـ روحانیت و جوان افغانستان .

۵ـ نیروی اسلامی افغانستان .

۶ـ مجاهدین خلق افغانستان .

۷ــ اتحادیهٔ علمای افغانستان

۸ــ جنبش مستضعفین افغانستان .

۹ــ شورای اتفاق اسلامی افغانستان .

۱۰ــ حزب رعد اسلامی افغانستان .

برای این‌جبهه در آن موقع‌اساسنامه تدوین شد و تشکیلات آن طرح‌ریزی گردید و مجله‌ای بنام " عاشورا " بعنوان‌ارگان نشراتی آن آغاز به انتشار کرد و واقعا درآن شرائط، اقدامی بجا و موءثر و امیدوارکننده بود واگر کار گروهها بصورت‌همان فعالیت مشترک جبهه‌ای ادامه‌می‌یافت ، بسیاری از نارسائیها و ناهنجاریهایی که بعدها بوجود آمد ، هرگز بوجود نمی‌آمد اما متاسفانه که ضرورت وحدت و هماهنگی بصورتیکه‌امروز قابل لمس است در آنروز مطرح نمود بعلاوه ترکیب ظاهرا متضاد و نداشتن پشتوانه و ضمانت اجرائی ووجود خط و خطوط و دخالت دستهای‌خارجی و خودخواهیها و خودمحوریهای بعض ازعناصر عضو که همه ازجمله‌عوامل ضعف و ناتوانی جبههٔ مذکور بود و بهمین جهت بود که دیری نپائید و از هم پاشیدو از نام و عنوان و امکانات آن فقط برخی از اعضای جبهه استفاده کردند .

۲ــ روحانیت مبارز: در سال ۶۲ از طرف "واحد نهضتها " که در آنزمان یک ارگان رسمی بود، تلاشهایی برای جلب و جذب عناصر ونیروهای هماهنگ و هم‌خط، در پوشش تشکیلاتی بنام " روحانیت مبارز افغانستان " صورت گرفت واساسنامه‌ای هم برای آن‌تدوین گردیدواعضای شورای مرکزی آن هم پیشنهاد شدند و برای مدت زیادی جلسات‌آن‌ادامه یافت اما از آنجا که این طرح توسط واحد نهضتها با اهداف مشخص واز قبل تعیین شده‌ای، تهیه شده و خود گروههای سیاسی ، به ضرورت ومیزان موفقیت آن ، اعتقاد و ایمانی نداشتند باشکست مواجه شده‌وحتی

بصورت رسمی ، اعلام هم نگردید اما حقیقت آنستکه اصلا اتحاد گروهها و هماهنگی نیروها بصورت‌واقعی و حقیقی ، منظور واحد نهضتها نبود و بلکه از این راه می‌خواستند اختلاف دیگری را دامن بزنند که زدند و موجب ادامهٔ تفرقه‌ها و دشمنی‌ها گشتند .که البته در این نوشتارکوتاه نمی‌خواهیم پروندهٔ سیاه و فعالیتهای آنها و پی‌آمدهای سوء کردارآنان را مورد بحث قرار دهیم و شاید روزی بیشتر، این حقایق افشا شده ومردم در جریان واقعیتهای تلخ سرنوشت خود قرار بگیرند .

۳ــ ائتلاف چهارگانه: حرکت وحدت خواهی در سال ۱۳۶۳ م ادامه یافت و پس از مدتی مذاکره وجلسه و تلاش، چهارگروه : " نصر، پاسداران جهاد ، جبههٔ متحد و نهضت‌اسلامی) تصمیم به ائتلاف‌گرفتند و این‌ائتلاف برای مدتی بنام" سازمانهای موءتلفه" یاد می‌گردید اما این حرکت هم با اعلام موجودیت‌خود ، بپایان رسید و آقای استاد مزاری اولین و آخرین سخنگوی آن بود و جز تعدادی بیانیه و اعلامیهٔ مشترک در مسائل سیاسی ، اثر دیگری از آن‌باقی نماند .

۴ــ در سال ۶۴ و ۶۵ بازهم حرکت وحدت‌خواهی ادامه یافت واین بارهم مسئولین واحد نهضتهاــ با اینکه این ارگان موجودیت‌رسمی نداشت ــ در پشت این قضیه بودند و با سوءاستفاده از مقام فقاهت و قائم‌مقامی رهبری و توجیهات شرعی وفتوائی ، حرکت‌جنجال‌برانگیزی را آغاز کردند که نه‌تنها موفقیتی در پی نداشت که اختلافهاودرگیریهای داخلی را تشدید نمود و برای چندسال ، حرکت وحدت‌خواهی را ملوث و بی‌اعتبار ساخت و فعلا شاید مصلحت نباشد که بیش از این در مورد این مقطع از تاریخ سخن گوئیم و بهمین اشارتی کوتاه بسنده‌می‌کنیم .

۵ــ شورای ائتلاف اسلامی افغانستان: مهم‌ترین و موءثرترین حرکت وحدت‌طلبانه در این‌دهه ، تشکیل شورای ائتلاف اسلامی‌افغانستان

بود که نسبت به حرکتهای گذشته تاحدی موفق‌تر بود و عمری طولانی‌تر داشت . اصل تشکیلات این شورا در زمستان سال ۶۵ پی‌ریزی شد اما موجودیت رسمی آن در بهار سال ۶۶ اعلام گردید . گروههای تشکیل ـ دهنده عبارت بودند از: (۱ـ جبههٔ متحد انقلاب اسلامی افغانستان ۲ـ دعوت اسلامی افغانستان ۳ـ حزب‌الله افغانستان ۴ـ حرکت اسلامی افغانستان ۵ـ سازمان نصر افغانستان ۶ـ پاسداران جهاد اسلامی افغانستان ۷ـ سازمان نیروی اسلامی افغانستان ۸ـ نهضت اسلامی افغانستان) ومدتها بعد "شورای اتفاق اسلامی افغانستان" هم به شورای مذکور پیوست .

شورای ائتلاف ، اهداف خود را در محورهای : تلاش برای اتحاد کامل و جلوگیری از درگیریها واختلافهای درونی و بسیج همهٔ نیروها برضد روسیه و دولت کابل و هدایت مبارزه در خط صحیح فکری و سیاسی و معرفی مبارزات شیعیان افغانستان ، معرفی نموده و استقلال و آزادی و تداوم جهاد مسلحانه و استقرار حکومت اسلامی در افغانستان را بعنوان خطوط استراتژیکی این تشکیلات اعلام داشت .

بر اساس اصول فوق در یک بخشنامهٔ سرتاسری از طرف این شورا اعلام گردید که :

۱ـ هیچ یک از اعضای ائتلاف هشت‌گانه حق تعرض ، تجاوزوجنگ علیه یکدیگر را ندارند و چنانچه در بعض مناطق ، مخاصماتی وجود داشته باشد ، با رسیدن این اطلاعیه موظف هستند که فورا دست از برخورد و جنگ برداشته ، اختلافات خود را از طریق مذاکره و به شیوهٔ برادرانه حل و فصل کنند .

۲ـ هیچ یک از اعضای مذکور ، حق تبلیغ سوء علیه یکدیگر را ندارند که تبلیغات مقدمهٔ نزاع و جنگ سرد ، پیش درآمد جنگ گرم خواهد گردید .

۳ـ همهٔ اعضای ائتلاف هشتگانه آزاد هستند که در تمام مناطق ، فعالیتهای تبلیغاتی و جهادی و دفاتر فرهنگی و در صورت‌نیاز پایگاه نظامی داشته باشند . هیچ گروهی از گروه‌های عضو ، حق جلوگیری‌وایجاد مانع را ندارند .

در ارزیابی عملکرد سه‌سالهٔ شورای ائتلاف اسلامی افغانستان می‌توان گفت که در بعد سیاسی موفقیتهای خوبی داشته است مخصوصا در قبال مسئلهٔ مذاکرات سیاسی و نشست بانمایندهٔ روسیه در تهران و مسئلهٔ شورای مشورتی و طرح دولت موقت پیشاور و ادامهٔ مذاکرات بااتحاد هفتگانه و غیره که توانست شیعیان افغانستان را بعنوان یک مجموعهٔ هماهنگ و قدرتمند و موءثر در صحنهٔ مسائل بین‌المللی معرفی نماید بالاخص در دورهٔ سخنگوئی استاد خلیلی و استاد زاهدی که فعالیتهای سیاسی شورا به اوج خود رسید و تاحد زیادی برای مردم ، اطمینان وامیدواری پدید آورد اما در قبال این موفقیتها باید گفت که این شورا نسبت به یک هدف عمدهٔ دیگر خود ناموفق بود زیرا در اساسنامهٔ آن آمده‌بود که : " جلوگیری از درگیریهای داخلی وهرزرفتن نیروهای مبارز در اصطکاک با یکدیگر و هدایت آن به سمت مبارزه با اشغالگران روس و رژیم دست‌نشاندهٔ آنان در افغانستان و هدایت تمام فعالیتها در جهت نیل به اتحاد کامل تشکلهای شیعی افغانستان" ، از اهداف اصلی شورای ائتلاف می‌باشد ولی درعمل نسبت به این ایدهٔ بزرگ ، چندان موفقیتی نیافت ، هرچند ائتلاف فی‌نفسه زمینهٔ ذهنی وعملی اتحاد را فراهم ساخت اما هنوز اختلافها و کشمکشهای گروهی ادامه داشت و دررابطه بااتحاد کامل گروه‌های مجاهد هیچ طرح‌واقدامی صورت نگرفت و نقص و نارسائی دیگر این شورا این بود که تنها در محدودهٔ خارج از کشور مطرح بود و در داخل کشور و در میان‌سنگرهای

جهاد کمتر نامی از آن برده می‌شد و حتی می‌توان گفت که خارج‌وداخل چندان باهم هماهنگ نبودند و بل در این اواخر کم و بیش، تفاوت و دوگانگی در دیدگاهها و مواضع مسئولین جهاد در داخل و مسئولین ائتلاف در خارج، مشاهده واحساس می‌شد.

بهرحال در مجموع می‌توانیم عملکرد شورای ائتلاف را بعنوان یک تشکیلات ائتلافی، مثبت و مفید ارزیابی کنیم زیرا بسیاری از دیوارها و فاصله‌های ذهنی و روانی را از میان برداشت و دیدگاههای سیاسی گروهها را به همدیگر نزدیک ساخت واین اصل را ثابت کرد که شیعیان افغانستان تنها در پوشش یک تشکیلات متمرکز و قدرتمندمیتوانند حرکت‌خود را بسوی پیروزی و نیل به اهداف والای انقلاب اسلامی افغانستان ادامه دهند و هیچ‌گروهی بصورت منفرد و جداگانه نمی‌تواند کاری را از پیش ببرد و سرنوشت آیندهٔ ملت را رقم‌زند.

بااین‌سیر اجمالی در حرکتهای وحدت‌طلبانه از سال ۵۸ تا۱۳۶۷ به این نتیجه می‌رسیم که این حرکت از آغاز تاکنون همواره سیر صعودی و تکاملی داشته و بامرور زمان و گذشت حوادث و تحولات پرفرازونشیب دهسال جهاد سیاسی و نظامی و تجربیات ارزشمند کارتشکیلاتی وحزبی، ضرورت وحدت کامل گروههای سیاسی شیعی بیش از پیش، مسلم وملموس می‌گشته و بتدریج موانع ذهنی و عینی‌وحدت، رفع می‌شده است. البته مافعلا در صدد این نیستیم که چرا این‌وحدت، دهسال تاخیر افتاد؟وچه اشتباهاتی صورت گرفت؟ وچه کسانی مقصر بودند؟ آنچه‌مسلم است دو چیز است یکی اینکه در گذشته حتما اشتباهاتی بوده و دستهای مرئی و نامرئی مانع وحدت می‌شده و دیگر اینکه فعلا همهٔ‌مسئولین وفرماندهان جهاد و رهبران جنبش و توده‌های مردم، اشتباهات گذشته را درک‌نموده و تصمیم بر جبران آن غفلتها و تصحیح آن اشتباهات گرفته‌اند واین‌خود

یک تحول عظیم درونی و بیرونی است که بدون لطف و مرحمت خداوندی هرگز امکان‌پذیر نبود و بدون شک خود این تحول، یک انقلاب دیگری است که مردم و مجاهدین مسلمان آن را آغاز کرده‌اند. پایه و اساس این تحول و انقلاب سه اصل عمده است:

۱ـ ارزیابی و نقد گذشته.

۲ـ کشف نقطه ضعفها و اشتباهات و نواقص.

۳ـ تصمیم برگشت‌ناپذیر برای حرکت سالم واصولی‌وعاری از نواقص گذشته.

بر اساس اصول فوق است که می‌توان به طرح جدید وحدت، بیش از پیش امیدوار بود و آیندهٔ آنرا بسیار درخشان و روشن، پیش‌بینی‌نمود در واقع "حزب وحدت‌اسلامی افغانستان" نتیجه و ثمرهٔ پروسه‌تکاملی دهسال حرکت بی‌وقفهٔ وحدت‌طلبانه و تبلور عینی آرمانهای برحق شهدای میلیونی جامعهٔ افغانستان و نقطه‌عطفی مهم و تعیین کننده و سرنوشت‌ساز در تاریخ جهاد سیاسی و نظامی ملت مسلمان افغانستان است.

۲ـ تشکیل حزب وحدت‌اسلامی افغانستان

پیش‌از آنکه به بیان تاریخچهٔ حزب وحدت اسلامی افغانستان و کیفیت تشکیل و تلاشهای دوسالهٔ (سال ۶۷ و۶۸)مسئولین وفرماندهان ارشد جهاد در داخل کشور بپردازیم ، لازم است وضعیت انقلاب و مردم و ارزیابی جدید رهبران از اوضاع سیاسی ـ اجتماعی کشور و عوامل و انگیزه‌های اصلی‌واصولی این حرکت و اقدام اسلامی و انقلابی را تشریح کنیم :

با سپری شدن دهسال از انقلاب شکوهمند اسلامی افغانستان و تحمل این همه تلفات و ضایعات و رنجها و محنتها و قتل‌عامها و آوارگی‌ها ، به این نتیجه رسیدیم که پیمودن راه پیروزی و رسیدن به اهداف انقلاب ، مشکلتر و دشوارتر از آنستکه تصور می‌شد ، در حالیکه هنوز نیمی از این راه صعب‌العبور ، طی نشده، مشکلات و موانع بسیار زیاد وجود داشته و هرروز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود و بدون تردید اکثر این مشکلات ، هم ریشه در تفرقه و تعدد و اختلافات داخلی دارد و با تحقق یک وحدت جامع وفراگیر و بنیادی ، بسیاری از موانع از سرراه انقلاب برداشته خواهد شد . البته ساده‌لوحانه هم نباید فکر کرد که اگر

وحدت ، تحقق یافت تمام مشکلات جامعهٔ افغانستان یک‌شبه حل خواهد شد و به تمام آرزوها و آرمانهای خود خواهیم رسید . وحدت تنها زمینه را فراهم خواهد ساخت و موانع را از سر راه برخواهد داشت و در کنار آن ، تلاش، ایثار و فداکاری و سعی وجدیت شبانه‌روزی لازم است تاکشتی انقلاب بسوی ساحل پیروزی نزدیک شود .

ارزیابی اوضاع و تجربهٔ دهساله نشان داد که ما هنوزدرمحورهای اصلی انقلاب و اهداف اسلامی انقلاب یا هیچ کاری نتوانسته‌ایم انجام دهیم و یا چندان موفقیتی نداشته‌ایم :

ـ در ساحهٔ سیاسی : هنوز شیعیان افغانستان را در مجامع‌ومحافل سیاسی و بین‌المللی برسمیت نمی‌شناسند و از تاریخ جهاد و ایثارگریهای آنها کسی اطلاع ندارد و دشمنان اسلام سعی دارند این بخش عظیمی‌از ملت مسلمان افغانستان را در محاصره یا بایکوت سیاسی و تبلیغاتی نگهدارند و از طرف دیگر تحولات سریع مسائل افغانستان ایجاب می‌کرد که ما در صحنهٔ سیاسی و بین‌المللی بصورت بسیار فعال حرکت کنیم ،در حالیکه هیچ ارگان متمرکز و قدرتمند و جاافتاده‌ای نداشتیم که این مسئولیت سنگین را بر دوش کشد ، بجز شورای ائتلاف در دوسال اخیر که نسبتا در این رابطه فعالیتهای ثمربخشی در محدودهٔ خارج ازکشورداشته است اما این برای مردم ما کافی نبوده و به تناسب رشادتها وقهرمانیهای جهادگران و ملت‌ما ، نمی‌توانسته زبان‌گویای دیپلوماسی جهاد باشد ، ما در مقابل دشمنان قدرتمندی همچون روسیه و آمریکا وعوامل بین‌المللی و محلی آنها ، نیاز به یک مرکزیت سیاسی قدرتمند و ذیصلاح وبالیاقت و باکفایتی داریم که بطور فعال و متمرکز با توطئه‌ها و دسایس دشمن‌مقابله کرده و هرروز طرحهای نوتر و عمیق‌تری را در راستای اهداف‌واستراتژی انقلاب اسلامی ، ارائه داده و به اجراء گذارد و این چیزی نیست که با

مرکزیتها و رهبریهای پراکنده و متفرق وضعیت گروهی و حزبی ، تحقق پذیر باشد .

ـ در ساحهٔ فرهنگی : از آنجا که انقلاب اسلامی افغانستان یک نهضت اسلامی است و روح و جوهرهٔ آنرا اسلام و اعتقادات مذهبی مردم تشکیل می‌دهد و استکبار جهانی هم با تمام توان خود تلاش دارد نهضت ما را از این روح و جوهره ، تهی سازد و یا به انحراف بکشاند ، کار وسیع فکری و فرهنگی یک نیاز مبرم وحیاتی جامعه وانقلاب ما راتشکیل می‌دهد اما باکمال تاسف باید اعتراف کرد که در این راستا کاری شایسته وبایسته‌ای نشده است . از یکطرف باوقوع کودتای ننگین کمونیستها در سال ۵۷ و حاکمیت نظام وحشت و ارعاب و ترور مارکسیستی در افغانستان ، همهٔ علماء ، دانشمندان ، دانشجویان و روشنفکران متعهد و مسلمان ما یا بزندان رفتند و یا شهید شدند و یا آواره گردیدند و بطور طبیعی همهٔ مراکز تحصیلی و فرهنگی و مدارس و مکاتب نیز تعطیل و متوقف شدند و در طول دهسال در مناطق آزادشده هم بخاطرادامهٔ جنگ و جهاد و ناامنی مناطق و کمبود امکانات و وسائل تحصیلی و مشکلات دیگر هیچ زمینه‌ای برای کار فرهنگی پیش نیامد و بدین‌ترتیب صدهاهزار کودک و نوجوان ما از حداقل سواد هم محروم ماندند و در خارج کشورنیزبخاطر شرائط خاص مهاجرت و آوارگی و فراهم نبودن وسائل و امکانات و ناهماهنگی گروه‌های سیاسی ، ثمرهٔ مطلوبی بدست نیامد ودانشجویان و اساتید و مغزهای متفکر ما یا در استخدام مراکز فرهنگی دیگران درآمدند و یا برای امرار معاش ، مشغول کار و زندگی شدند .

اما گروه‌ها و بخشهای فرهنگی آنها در خارج نه‌تنها نتوانستند بابرنامه‌ریزی صحیح و درست ، به‌کارهای تحقیقی عمیق بپردازند که حتی یک مجله و نشریهٔ مرتب و جامع ماهانهٔ را که پیام جهاد را به

توجه :

درآینده نزدیک از انتشارات حزب وحدت اسلامی افغانستان منتشر خواهد شد:

نگاهی به آخرین تحولات سیاسی افغانستان

۲ـ بیانه‌ها ومصاحبه های حزب وحدت اسلامی افغانستان درسه ماهه اول ۱۳۶۹

۳ـ بیانه ها ، اعلامیه‌ها وطومارهای حمایت وپشتبانی از حزب وحدت اسلامی افغانستان.

گوش مردم جهان برسانند، منتشر نتوانستند و اکثر مجلات ما در طول ۱۲ سال از ۱۰ و ۱۲ و حداکثر از ۶۰ و ۷۰ شماره تجاوز نمی‌کند و بسیار جای تاسف است که ما نه‌تنها تاهنوز نتوانسته‌ایم تاریخ گذشته و تاریخ دهسال جهاد ملت خود را بصورت جامع و دقیق تدوین کنیم که حتی از آمار عملیات جهادی و آمار شهدای انقلاب خود نیز بی‌اطلاع و بی‌خبریم. عامل بزرگ و عمده در این‌خلاء جبران‌ناپذیر، همین تفرقه و تعددو پراکنده بودن نیروها و استعدادها وامکانات و سرمایه‌های‌انسانی و معنوی و مادی بوده است نه‌چیز دیگر. هر گروهی سعی داشته که برای خود تبلیغات کند و در محدودهٔ اعضاء و هواداران خود برنامه بگذارد که متاسفانه در همین مورد محدود هم موفقیتی نداشته‌اند.

بنابراین اگر بخواهیم استعداد مردم خود را پرورش و پالایش دهیم و فرهنگ یک ملتی را احیاء کنیم و در جنگ فکری و فرهنگی، با سیل تبلیغات و تهاجم وسیع فرهنگی دشمنان اسلام مبارزه کنیم و روح و جوهرهٔ انقلاب خود را غنی و شکوفان بسازیم باید همهٔ نیروها و استعدادها را در یک مرکزیت جمع کنیم و از یک محور، برای کل کشور و مردم خود برنامه‌ریزی نمائیم و این جز در سایهٔ اتحاد کامل گروه‌ها و سازمانها امکان‌پذیر نیست.

ــ در ساحهٔ عمران وانکشاف اقتصادی: سرزمین افغانستان مخصوصا مناطق وسیع هزاره‌جات در طول تاریخ در اثر حاکمیت‌رژیمهای فاسد و جابر و ناآگاه و بی‌کفایت، بطور کلی از عمران وانکشاف اقتصادی و نوسازی و بازسازی محروم بوده و اقتصاد کشور با یک سیستم بسیار عقبماندهٔ ارتجاعی اداره می‌شد اما در دورهٔ انقلاب بااینکه مناطق وسیعی از کشور از لوث وجود رژیمهای فاسد آزاد گردید و رهبری وادارهٔ جامعه بدست خود مردم و انقلابیون و مجاهدین افتاد و زمینهٔ مناسبی

برای برنامه‌ریزی اقتصادی بوجود آمد، بازهم مانتوانستیم کمترین‌پلانی در این رابطه بسنجیم و به فریاد مردم فقیر و محروم و عقبماندهٔ خود برسیم و از امکانات موجود خود، در جهت رشد و رفاه و آسایش مردم استفاده کنیم و حداقل در زمینهٔ طرح و پلان کار، توجهی نمائیم و تا همین اکنون که مسئلهٔ عمران و بازسازی افغانستان مطرح است، ما خودمان در این رابطه نتوانسته‌ایم، اولویتها را تشخیص داده و بطور مناسب و لازم برنامه‌ریزی کنیم.

ــ در ساحهٔ نظامی و سیستم اداری مناطق آزاد شده و وضعیت بهداشت و درمان نیز وضع بهمان‌منوال و یا بدتر است، هیچ آئین‌نامهٔ دقیق و منظم نظامی برای مجاهدین خود که سربازان انقلاب و مدافعان حریم آزادی و امنیت و استقلال کشور هستند نداشته‌ایم و بهمین‌جهت پس از دوازده سال جنگ و جهاد مستمر، هنوز از یک اردوی منظم، محروم هستیم و مردم ما بطور خودجوش در هر منطقه‌ای، بار سنگین جنگ و جهاد را بردوش داشته و کارهای نظامی را ادامه داده است. برای مناطق آزادشدهٔ خود که در کنترل خود ما بوده، نتوانستیم یک سیستم اداری منظم براساس مقررات و دستورات اسلامی و نیاز زمان بوجود بیاوریم. در هر منطقه یکنوع سیستم حاکم بوده‌است. همه این‌نارسائیها بدان جهت است که باوجود تفرقه و تعدد و حاکمیت بینش تنگ گروهی، نمی‌توانستیم کلیت تشیع و مناطق آزادشده را مورد توجه قرار داده‌وبرای مردم خود بطور یکنواخت و همگانی و سرتاسری برنامه‌ریزی کنیم.

ــ جنگها و درگیریهای داخلی: باید اعتراف کرد که درگیریهای داخلی بین گروهها، یکی از ضربه‌های جبران‌ناپذیر بر پیکر انقلاب ما بوده است. هرچند که چنین اختلافاتی در سطح هر نهضت و جنبشی‌در جهان وجود دارد اما درافغانستان بخاطر شرائط و ویژگی‌های‌خاص‌سیاسی

و اجتماعی و حضور همه جانبهٔ دشمن قدرتمندی همچون روس وتوطئه‌ها و دسایس عوامل آن ، اختلافات و درگیریهای درونی از همان سالهای اول در صفوف جنبش مقاومت بروز یافت و چه در میان برادران اهل سنت و جماعت و چه در میان شیعیان افغانستان ، دستهای پیدا و پنهان دشمن نفوذ کرده و خودخواهیها و قدرت‌طلبی‌ها و انحصارطلبی‌های گروهی و شخصی مزید بر علت گردید و در بخشهائی از مناطق آزادشده اختلافات گروهی در چهرهٔ برخورد نظامی تبارز پیدا کرد ، هرچند که حجم این درگیریها در میان اهل تشیع نسبت به برخوردهای نظامی بین برادران اهل تسنن بسیار کم و ناچیز بود اما در جای‌خود موجب بسیاری‌ازتلفات و ضایعات و هدررفتن نیروها و ذخائر مادی و معنوی ملت گردید .گرچند در مورد اصل تداوم مبارزهٔ سازش‌ناپذیر در مقابل روسها و کمونیستها و در مورد خطوط استراتیژیکی و اهداف اصلی انقلاب هیچگونه اختلال و اختلافی در میان گروهها وجود نداشت ولی خود اختلاف و درگیری درونی ، ضعف نیروهای مبارز و تقویت جبههٔ دشمن را موجب می‌شود . بعلاوهٔ اینکه عوامل دشمن و ایادی استکبار مخصوصا وهابیهای متعصب در همه‌جا بوق و کرنا راه انداختند که شیعه‌ها هیچ سهمی در انقلاب نداشته و در طول انقلاب مشغول درگیریها و تصفیه‌حسابهای داخلی‌خود بوده‌اند ، در حالیکه شیعیان افغانستان اولین کسانی بودند که پس از بقدرت‌رسیدن رژیم کودتائی خلق و پرچم ، قیامهای ضد دولتی را در شهرها وروستاها ، آغاز و رهبری کردند و در مدت بسیار کوتاهی تمام مناطق شیعه‌نشین را از لوث مزدوران روس پاک نمودند و باکمال شهامت و مردانگی اجازه ندادند که یک سرباز روسی یا دولتی در این مناطق‌قدم بگذارد و تا همین‌اکنون هم سرزمین‌های خود را آزاد نگهداشته و در ولایات مختلف افغانستان، عملیات سنگینی را بر ضد دولت به‌اجراء

می‌گذارند. البته ما در این نوشتار کوتاه نمی‌توانیم رشادتها، مقاومتها و فداکاریهای این مردم و تاریخ جنگها و آمار عملیات نظامی گروههای شیعی را برشمریم ولی در مجموع باید گفت که این یک توطئه بین‌المللی بر ضد ملت ما بود تا ما را در انظار جهانی بی‌اعتبار و بی‌حیثیت‌ساخته و زمینهٔ طرح و حذف و نادیده‌گرفتن حقوق گروه‌های جهادی شیعه را فراهم نمایند.

باهمهٔ این مسائل باید اعتراف کرد که این ضعف از ما بوده که این بهانه را بدست دشمن داده و با این درگیریهای فرعی و درونی دشمن را امیدوار و مردم‌مسلمان را ناامید ساختیم. در طول ادامهٔ این اختلافات، تودههای مردم تا آنجا ناامید شده و به ستوه‌آمده بودند که اعتقاد آنها به گروهها، ضعیف شده و کم‌کم از کار گروهی و فعالیت جهادی فاصله می‌گرفتند و این، برای آیندهٔ انقلاب، خطر بسیاربزرگی بوده و هست و برای جلوگیری از این خطرات و انحرافات، راهی جز اتحاد گروهها در پیش نبود.

ــ موقعیت سیاسی و نظامی انقلاب و ادامهٔ حاکمیت رژیم کابل:

ملت مسلمان افغانستان، مرحلهٔ مقاومت دورهٔ قبل از اشغال و مرحلهٔ مقاومت در دورهٔ دهسال اشغال نظامی را از ۵۷/۲/۷ تا ۶۷/۱۱/۲۶ باکمال سربلندی و افتخار پشت سر گذاشت و با شکست نظامی روسیه و بیرون رفتن ارتش سرخ در۲۶ /۶۷/۱۱ تمام امید مردم و تلقی مجاهدین این بود که دشمن‌کاملا شکست خورده و رژیم پوشالی کابل هم بزودی سقوط کرده و قدرت بدست مجاهدین خواهد افتادوزمینه تحقق استقلال و آزادی و حکومت اسلامی در افغانستان فراهم خواهدشد اما بزودی همه دریافتند که تحقق این آرمان به آسانی ممکن نیست، حاکمیت رژیم کابل ادامه یافت و مجاهدین در اولین عملیات سنگین‌خود

پس از خروج قوای شوروی در جلال‌آباد مواجه باشکست شدند و در تعیین آلترناتیو رژیم کمونیستی هم به وحدت‌نظری دست نیافتند .

عوامل این ضعف و ناامیدی مسائل زیر بود :

۱ـ به بعد سیاسی جهاد گرایش بیشتری پدید آمد وبعد نظامی جهاد که نقش عمده را در تحولات داشت ، نسبت بگذشته کمتر مورد توجه واهمیت قرار گرفت .

۲ـ در ارزیابی نیروها و امکانات طرفین ، مجاهدین دچار یکنوع غرور شده و رژیم دست‌نشاندهٔ کابل که در طول دهسال توسط کا .جی .بی و ارتش سرخ تربیت و تجهیز شده بود ، دست‌کم گرفته شد .

۳ـ بخاطر سرعت تحولات سیاسی ، مجاهدین غافلگیر شدند و طرحی‌جامع و مورد قبول از طرف همهٔ گروهها در مورد سرنگونی رژیم کابل و جایگزینی حکومت مجاهدین ، تهیه نشده و بهاجراء گذاشته نشده بود .

۴ـ طرح گروه‌های هفتگانهٔ مقیم پیشاور از قبیل : شورای مشورتی و دولت موقت و غیره ، چون شتابزده و ناقص و عکس‌العملی تهیه شده بود ، موجب یک سلسله اختلافها و ناامیدیها در داخل و خارج کشور گردید .

آنچه در این رابطه بیش از هرچیز دیگر موجب‌جنجال وکشمکش واقع شد ، اختلافی بود که بین ائتلاف هشتگانهٔ مقیم تهران و اتحاد هفتگانهٔ مقیم پیشاور پیش‌آمد یعنی دو مجموعهٔ شیعه و سنی که درطول دهسال انقلاب ، در کنار همدیگر و باکمال هماهنگی و بدون کمترین درگیری و برخورد بار سنگین جهاد را بدوش کشیدند . دشمنان انقلاب و افغانستان هم این اختلاف را عمده کردند و برای فراچنگ آوردن‌ماهی مطلوب و سوءاستفاده از وضعیت پیش‌آمده ، بیشتر آب را گل‌آلودساختند

اما از آنجا که واقعا در جامعهٔ افغانستان، طرد و حذف و نادیده‌گرفتن هیچ ملیت و قوم و مذهبی کارساز نیست، تعصبات‌جاهلانهٔ برخی از گروه‌های پیشاور و اصرار آنها بر نقض توافقنامهٔ امضا شده بین سخنگویان طرفین و نادیده گرفتن سهم وحق ائتلاف هشتگانه، فضای سیاسی را تیره‌تر ساخت که در نتیجه، پیامدی جز شکست طرحهای موجودوناامیدی مردم نداشت.

نکتهٔ تاسف‌بار دیگری که هم‌باید مورد اشاره قرار گیرد اینستکه برخی از گروههای متعصب وهابی که هنوز هم همچون قرن حجر فکر می‌کنند، بازار تکفیر و تفسیق رااز نو گرم ساخته و با پخش و نشر تکفیر نامه‌هایی آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. یکی از این‌گروهکها جریانی است بنام "جماعه‌الدعوه الی القرآن والسنه" یکی‌از به اصطلاح تنظیمهای جهادی افغانستان مقیم در پیشاور پاکستان برهبری شیخ جمیل الرحمن که در نشریهٔ نام نهاد "المجاهد" خود (بزبان عربی) شمارهٔ ۵ و ۶ مورخ رمضان و شوال ۱۴۰۹ هـ طرحی را در روی جلد آن چاپ نموده که جهاد افغانستان را بصورت تفنگ درخت گونه‌ای نشان می‌دهد که دو دست‌آمریکا و روسیه از یکطرف و دو دست دولت کابل وبه اصطلاح رافضی‌ها! از طرف دیگر با تبر شاخه‌های آنرا قطع می‌کنند و در همان شماره شیخ جمیل‌الرحمن در مصاحبهٔ خود می‌گوید: مابدین جهت در دولت موقت‌شرکت نکردیم که پاکستان و احزاب هفتگانه اصرارداشتند که شیعیان را نیز شرکت دهند و دولتی که در آن رافضی‌ها شریک باشند، اسلامی نیست!

همچنین در مقاله‌ای در همان شماره تحت عنوان" شیعه و جهاد افغانستان" آمده‌است:

" برادران ما رهبران مجاهدین، علاقهٔ‌زیاد نشان دادند که

رافضیان و شعیان را در حکومت اسلامی آیندهٔ افغانستان سهم بدهند اما این رافضیان همچنان در گزافه‌گوئی و گمراهی خود غوطه‌ورندوروسیهٔ کمونیست و حکومت رافضی مجوسی ایران و رژیم مزدور کابل آنانراحمایت می‌کنند " .

و در قسمت دیگر آن می‌نویسد :

" شیعه در افغانستان غیر از شیعه در سایر نقاط زمین‌نیست ،شیعه در حقد وکینه و خست خود ، همان شیعه است در هرجا که باشد ، در افغانستان جهاد آغاز شد اما کار شیعیان همیشه راهگیری مجاهدین و سرقت اسلحهٔ آنها و همکاری با کفار بوده‌است ! " .

در جای دیگر آن مقاله آمده :

" فرقهٔ شیعه در افغانستان از دهسال پیش تاکنون در جهاد شرکت نکرده است و حقیقت اینستکه سربازان افغانی و روسی بر هیچ‌یک از مناطق شیعه‌نشین حمله نکرده‌اند بلکه‌دشمن روسی از یکطرف ودولت ایران از طرف دیگر، شیعیان را با اموال و اسلحهٔ زیاد کمک می‌کنند " .

در قسمت‌آخر آن مقاله می‌نویسد :

" در پایان باید بگوئیم که شیعه در طول تاریخ و از روز تاسیس این فرقه توسط ابن‌سبای یهودی تا به‌امروز ، با اسلام دشمنی کرده‌اند و همیشه مددکار ملتهای کفر بر ضد مسلمین بوده‌اند .. آنها بودند که تاتارها و صلیبیها و استعمارگران جدید راکمک نمودند و هیچ پیمانی بر ضد اسلام نبوده مگر اینکه رافضی‌ها یکطرف آن بوده‌اند .. پس آیا مسلمانان متوجه نشده‌اند این دشمنی را که در بین آنها اقامت گزیده و بنام آنان نامیده شده است؟ آیا در دنیا قحط الرجال پیش آمده که شیعیان را در حکومت شرکت دهند؟..... همانا کفر ملت واحده است ، آنها برای جنگ بر ضد اسلام متحدند !! "

ما در صدد پاسخ گفتن به این مزخرفات نیستیم و از طرف دیگر نیک می‌دانیم که اکثریت مطلق برادران‌اهل سنت‌ما، با وجدان بیدار اسلامی و باآگاهی و بصیرت انقلابی و اسلامی بامسائل برخورد می‌کنند و در خطی حرکت می‌کنند که محمد عبده‌ها و شلتوتهاوشهیدسیدقطب‌ها و حسن‌البناها و شهید نیازی‌ها بنیان‌گذار و مرشد و رهبر آن بوده‌اند و در افغانستان اسلامی و انقلابی نیز آن دوره‌ها دیگر سپری شده است که دشمنان مکار، این دو قشر عظیم مسلمان را با توطئه و دسیسه‌بجان هم بیندازند و با تکفیر و تفسیق و افترا، جنگهای گذشته وقتل‌عامهای دورهٔ‌امیرعبدالرحمن را تکرار کنند. تصمیم ملت مسلمان ما بر آنستکه در کنار همدیگر و بازور بازوی همدیگر، افغانستان ویرانه را از نو آباد سازند و حکومت اسلامی و ملی و مردمی مورد نظر خود را روی‌کارآورند. منظور از ذکر مسائل فوق تنها این بود که بدانیم در شرائط حساسی که روس شکست خورده و رژیم کابل در حال احتضار بسر می‌برد و مردم ما تصمیم گرفته که سرنوشت‌آیندهٔ‌خود را تعیین نموده و حکومتی مطلوب و مورد نظر خود را تشکیل بدهند، عده‌ای چنین نابخردانه ومتعصبانه حرکت می‌کنند و با تبلیغات و جوسازی و اتهام و افتراء در صفوف‌فشرده امت اسلامی، جدائی و تفرقه، ایجاد می‌کنند.

بهرحال وضعیت سیاسی و نظامی انقلاب در دورهٔ پس ازاشغال نظامی افغانستان ثابت کرد که: اولا رسیدن به اهداف اصلی انقلاب اسلامی یعنی تامین آزادی و کسب استقلال واقعی و تحقق حکومت‌اسلامی در افغانستان کار آسانی نیست و دشمن هرچند در جنگ دهساله شکست خورده و هیچ سودی نبرده است اما به‌آسانی هم راضی نمی‌گردد که در افغانستان تفکر ناب اسلامی بقدرت برسد و ثانیا رژیم کابل با تجربهٔ دهساله در آن حد هم ضعیف نیست که بااین تفرقه و تعدد ما سقوط کند

یعنی قوت آن رژیم از ضعف و اختلاف ما است و تا این ضعف در ما باشد، دشمن قوی خواهد بود و ثالثا با تعصب و تنگ‌نظری و طرد و حذف و طرحهای غیر قابل تطبیق در بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان، نه‌تنها برای مشکلات راه‌حل و علاج نمی‌توان یافت که بر حجم مشکلات و بحرانها افزوده هم خواهد شد و رابعا هیچ قوم‌وملیتی و هیچ گروه و حزبی به تنهائی نمی‌تواند این راه طولانی را تا پایان خط ادامه داده و مشکلات جامعه و مردم را حل کند و یا سرنوشت آیندهٔ کشور را تعیین نماید چون تجربهٔ دهسال ثابت نمود که با احساسات وعواطف و خیالات و شعارهای ذهنی و ایده‌آلیستی نمی‌توان بر عائق‌ها فائق‌آمد وبحرانها و بن‌بست‌ها را درهم شکست بلکه تنها با ارزیابی و تحلیل واقع‌بینانه و باانتخاب استراتژی و خط‌مشی دقیق و حساب‌شده‌وباوحدت کامل مواضع و دیدگاهها و عملکردها می‌توان موانع را رفع کرده و به پیروزی نزدیک شد.

خوانندهٔ گرامی!

مجموع مسائلی که در این قسمت، مورد بحث و اشاره قرارگرفت باعث شد که در سطح کلی جنبش، باید تحول و دگرگونی عمیقی پدید آید، تحولی که خلاءها را جبران و نقصها را رفع و اشتباهات را تصحیح و راه را بسوی پیروزی باز کند و این تحول رارهبران، مسئولان‌وفرماندهان دلسوز انقلاب، تنها در اتحاد کامل گروههای جهادی جستجو نمودند و بدین ترتیب "حزب‌وحدت اسلامی افغانستان" را بعنوان آخرین حلقهٔ تکاملی حرکت وحدت‌طلبانهٔ دهساله، تشکیل دادند که ذیلا کیفیت شکل‌گیری آنرا توضیح خواهیم داد.

البته در پایان این قسمت از بحث ذکر این نکته نیز بجا است که

تشکیل حزب وحدت‌هرگز بدان معنی نیست که همهٔ عملکردهای گروهها در گذشته منفی باشد و یا اصولا کار حزبی و تشکیلاتی از اساس، غیر موفق و بیهوده تلقی شود. گروههای جهادی ما در طول سالیان دراز مبارزه و جنگ، هرکدام در حد توان خود، خدمات ارزشمندی ارائه دادند و اصولا همین‌ها بودند که از حریم آزادی و استقلال دفاع‌نمودند و همینها بودند که سنگرهای جهاد را گرم و فعال نگهداشتند و بالاخره همین‌ها بودند که دشمن پلید مهاجم را با همهٔ تجهیزات و امکانات آن به ستوه آورده و شکست دادند و در آینده هم همینها خواهند بود که رسالت دفاع و پاسداری از دستاوردهای انقلاب و مسئولیت ادامهٔ مبارزه را بعهده خواهند داشت و تنها شکل و روش کار است که بایدعوض شود و معقول نیست که یک "قالب" برای همیشه و در همهٔ شرائط و تحولات، محفوظ و ثابت‌بماند و هیچ تغییری پیدا نکند بلکه باید با تغییر شرائط زمانی و مکانی قالبها هم باید عوض شوند و امروز که این قالبهای‌تنگ متعدد گروهی مانع پیشرفت کار هستند باید به یک قالب وسیع‌تشکیلاتی وحدت تبدیل شوند.

تلاشهای دوساله وشکل‌گیری حزب‌وحدت اسلامی‌افغانستان

هرچند تلاشهای وحدت‌طلبانه در داخل کشور از سالهای ۶۵و۶۶ آغاز شد ولی آغاز رسمی و جدی اقدامات وحدت‌خواهی سال ۶۷ است‌که بتدریج پس از کنگره‌ها و نشستهای متعدد در سال ۶۸ به‌ثمر می‌رسد و منتج به تشکیل حزب وحدت می‌گردد. که در این قسمت با تکیه‌براسناد و مدارک و گزارشهای واصله از داخل، این نشستها و پیامدهای آنها را بطور مختصر ذکر خواهیم کرد.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمه :

خیزش جهانی امت اسلامی یکی از پدیده‌های شگرف سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی این قرن است ، قرنی که اوج پیشرفت صنعت و تکنیک و دانش بشری را نشان داده و تفکر الحادی و ماتریالیستی ولادینی از شاخصه‌های بارز آن بوده است و بر اساس همین تفکر مادیگرائی بود که انقلاب بلشویکی در یکی از کشورهای بزرگ جهان در ۱۹۱۷ بوقوع پیوست و پس ازآن ، اندیشهٔ مارکسیستی با تهاجم وسیع سیاسی ،فرهنگی و نظامی ، بخش عظیمی از کشورهای جهان را درنوردید و لیبرالیزم غربی نیز که‌چهرهٔ دیگر مادیت است ، بخش دیگری از جهان رادرحیطهٔ قدرت‌خود گرفت و بدین ترتیب مذهب را از صحنهٔ حیات اجتماعی بشریت بدور افکنده بودند و تفکر مذهبی را افیون توده‌ها وعامل‌بدبختی انسانها معرفی می‌کردند و از نظر سیاسی نیز امپریالیزم آمریکا و روسیه

کنگرهٔ سراسری مجاهدین مناطق مرکزی در پنجاب :

در سال ۶۷ برای ایجاد تفاهم و رفع اختلافها و نزدیک‌شدن به اتحاد ، در طی یک نشستی بین آقایان : اکبری ، عرفانی ،صابری‌وسجادی تصمیم گرفته شد که بتاریخ ۲۱ الی ۶۷/۴/۲۴ کنگرهٔ سرتاسری‌مجاهدین مناطق مرکزی باشرکت‌مسئولین و سران سازمان نصر و پاسداران جهاد از کلیهٔ مناطق ، برگزار گردد . کنگرهٔ مذکور بمدت چهارروز همزمان با بیستمین‌سالگرد شهادت علامهٔ سترگ ، بنیانگذارنهضت‌اسلامی‌افغانستان سید اسماعیل بلخی در مرکز ولسوالی پنجاب با ایراد بیست‌وچهار سخنرانی مبسوط پیرامون محورهای تعیین شدهٔ که مسائل‌اساسی انقلاب وجامعهٔ ما را در برداشت و هشت‌مقالهٔ تحلیلی و اجرای هفت سرود انقلابی و صدور قطعنامهٔ ۱۶ماده‌ای ، در میان شور و هیجان جمعیت حاضر شرکت‌کننده در کنگره که اکثرا شخصیتهای سیاسی ، فرهنگی‌ونظامی ده ولایت و بیست ولسوالی مناطق مرکزی و صفحات شمال بودندبرگزار شده و بپایان رسید .

مواد قطعنامهٔ مذکور بشرح ذیل می‌باشد :

۱ــ توافقنامهٔ ژنو را که باحیلهٔ زیرکانهٔ شرق و غرب بخاطر فرونشاندن خشم توفندهٔ ملت قهرمان و مسلمان افغانستان صورت‌گرفته ، با قاطعیت تمام محکوم نموده و ملغی اعلام می‌داریم .

۲ــ طرح پیشنهادی کوردووز مبنی بر تشکیل دولت بیطرف‌ها را نیرنگ دیگر استکبار جهانی دانسته ، قویا محکوم می‌نمائیم .

۳ــ دولت‌موقت انتقالی که از سوی اتحاد هفتگانه در پیشاور تشکیل شده ، چون نمایندگان همهٔ احزاب و سازمانهای اسلامی حضور نداشته ، از نظر ما غیر قابل قبول است .

۴ــ ماحمایت و پشتیبانی خود را از مواضع سیاسی شورای‌ائتلاف هشتگانه مستقر در جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده، امیدواریم که هماره در خط نه شرقی نه غربی استوار و ثابت‌قدم باشند.

۵ــ بمنظور بالارفتن فاز عملیات جنگی و مبارزاتی، اعلام‌بسیج عمومی نموده، از کلیهٔ مردم و نیروهای جهادگر می‌خواهیم تا به مراکز استراتژیک دشمن یورش برده تاآخرین ضربات را وارد آوریم.

۶ــ تاتشکیل حکومت اسلامی و تحکیم پایه‌های جمهوری اسلامی در وطن اسلامی خود افغانستان به نبرد و رزم بی‌امان خودادامه‌خواهیم داد.

۷ــ ماخواستار حکومت‌اسلامی، وحدت و همبستگی ارگانیک و پولادین کلیهٔ نیروهای اسلامی بر اساس معیارهای اسلامی‌می‌باشیم.

۸ــ ما تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر بخاطر برچیدن زمینه‌های نفاق و جنگ میان نیروهای اسلامی د رمحدودهٔ مناطق مرکزی وکل‌کشور راخواسته و تاکید می‌داریم.

۹ــ بر پایهٔ بینش ناب اسلامی‌هرگونه اختلاف و تفرقهــ تجزیه و تجرید شیعه و سنی و تشدید حساسیتهای مذهبی، ملی و منطقوی را که مانع تشکیل امت واحد اسلامی می‌گردد تقبیح و محکوم‌می‌نمائیم.

۱۰ــ باتبانی، توافق و توطئه آمریکا و شوروی بر مبنای اینکه ظاهرخان را دوباره به مقدرات ملت‌مظلوم حاکم بسازد، برخورد قاطع و انقلابی نموده و شدیدا محکوم می‌نمائیم.

۱۱ــ از افراد و عناصری که به دلائل مختلف فریب خوردموبدامن دشمن افتیده‌اند، دعوت بعمل می‌آید صرف‌نظر از اعمال و کردار قبلی‌شان، مورد ترحم و عفو نیروهای انقلابی و اسلامی گردیده‌ومصونیت حقوقی، مالی و جانی خواهند داشت.

۱۲ـ فاجعهٔ کشتار حجاج بی‌گناه و ایجاد محدودیت برای‌حجاج ایرانی و ممانعت از اعلام برائت از مشرکین توسط حکومت آل‌سعود را غیر اسلامی دانسته ، محکوم می‌داریم .

۱۳ـ تجاوز آمریکا را در خلیج فارس مغایر قوانین بین‌الملل دانسته و سقوط طیارهٔ مسافربری ایران آیر را توسط ناوگان جنگی‌محکوم می‌داریم .

۱۴ـ پشتیبانی و همبستگی خود را از کلیهٔ نهضتهای رهائی‌بخش اسلامی جهان و بالاخص ملت مظلوم فلسطین و لبنان اعلام و آزادی قدس عزیز را خواهانیم .

۱۵ـ هرگونه‌مداخلهٔ استکبار جهانی را در اموردا‌خلی‌افغانستان محکوم می‌داریم .

۱۶ـ از موضع‌گیری اصولی و مکتبی جمهوری‌اسلامی ایران درقبال حل مسائل افغانستان که تاکنون اتخاذ نموده پشتیبانی می‌نمائیم .

سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاداسلامی‌افغانستان

تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۴

محل امضای هیئت رئیسهٔ کنگره :

۱ـ حجةالاسلام والمسلمین میرحسین صادقی عضو شورای‌مرکزی سازمان نصر افغانستان و رئیس کنگره .

۲ـ حجةالاسلام والمسلمین قربانعلی عرفانی عضو شورای مرکزی سازمان نصر افغانستان .

۳ـ حجةالاسلام والمسلمین محمد اکبری مسئول پاسداران جهاد اسلامی در ولایات بامیان و غور .

۴ـ حجةالاسلام والمسلمین ضامن علی محقق مسئول پاسداران جهاد اسلامی افغانستان در ولایات میدان و پروان .

همچنین در پایان قطعنامه امضای جمعی کثیری از مسئولین و فرماندهان ولایتی هردوجریان سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان ، مشاهده می‌شود .

پس از ختم کنگره، کمیسیون سیاسی کنگره برای پیگیری مواد قطعنامه دایر شد که اعضای شرکت‌کننده به‌اتفاق آراء با الهام‌ازدستورات نجات‌بخش قرآن تنها راه حل اساسی معضلات جامعهٔ‌اسلامی افغانستان و تداوم مبارزهٔ اسلامی را در اتحاد کامل جریانهای اسلامی اخصا پاسداران و سازمان دانستند و لذا تصمیم قاطع گرفتند که در قدم اول هردو نهاد پاسدار و سازمان را با گردهمائی در ولایت غور (ولسوالی‌لعل) بتاریخ دهم سنبلهٔ آن سال متحد سازند و سپس اقدام به اتحاد همهٔ گروه‌های شیعی نمایند .

گردهمائی لعل و امضای منشوراتحاد ازطرف‌سازمان‌نصروپاسداران‌جهاد :

طبق تصمیمی که در کنگرهٔ پنجاب گرفته شد ، گردهمائی بعدی در لعل صورت گرفت و مسئولین و قوماندانهای هردوجریان پاسداران جهاد و سازمان نصر از کلیهٔ ولایتها و مناطق آزادشده گردهم آمدند و پس از چند روز بحث و بررسی و باوجودیکه هنوز تشنجات در بعض مناطق ادامه داشت در جلسهٔ تاریخی ۶۷/۶/۱۶، اتحاد کامل‌سازمان نصر و پاسداران را اعلام نموده و "منشور اتحاد" را در ۱۲ ماده امضاء کردند .

مواد منشور فوق قرار ذیل می‌باشد :

۱ــ اتحاد کامل سازمان نصر افغانستان و پاسداران‌جهاداسلامی افغانستان و تلاش پیگیر برای اتحاد سایر نیروهای شیعی موٴتلفموجذب نیروهای سالم شیعی .

۲ـ اقدام برای تشکیل شورای مرکزی نیروهای شامل درچهارچوب اتحاد بعد از ختم جلسهٔ بیستم سنبلهٔ ۶۷ درمیدان .
۳ـ بعد از تشکیل شورای مرکزی اتحاد ، انحلال تشکیلات سابقهٔ هردونهاد و الغای عناوین و آرمها .
۴ـ سپردن امور تشکیلات بعدی بر اساس لیاقت ، شایستگی ،سابقه مبارزاتی و تعهد اسلامی .
۵ـ تصفیهٔ دقیق و حساب‌شدهٔ افراد نامطلوب ازچوکات اتحاد .
۶ـ اتخاذ مواضع فکری ، سیاسی وعملی در چوکات اصل‌ولایت‌فقیه
۷ـ تلاش برای اتحاد کامل نیروهای مبارز مسلمان افغانستان اعم از شیعی و سنی .
۸ـ مبارزه باعوامل‌منافی تداوم وحدت .
۹ـ تشدید عملیات علیه اشغالگران روسی ، دولت الحادی کابل و عوامل داخلی آن .
۱۰ـ ادامهٔ مبارزه تاتشکیل حکومت اسلامی در افغانستان .
۱۱ـ مبارزه با اندیشه‌های انحرافی و التقاطی و هرگونه وابستگی به شرق و غرب .
۱۲ـ همبستگی با نهضتهای اسلامی وحمایت از جنبشهای ضد استکباری جهان .

مواد فوق از طرف مسئولین رده‌بالای دوجریان مذکور امضاء شده و هیئتهائی تعیین گردیدند تا تصمیمات جدید را به همهٔ مردم در ولایتها و ولسوالیها و پایگاه‌های مربوطه اعلام نمایند و این کارهم در اسرع وقت عملی شد و مورد استقبال مردم ومجاهدین قرار گرفت .

گردهمائی‌های بهسود و جاغوری :

برای پیگیری اتحاد دوجریان مذکور و تلاش برای اتحاد همهٔ

گروه‌های شیعی ، جلسهٔ باشکوهی در ۲۰ سنبله ۱۳۶۷ در حصهٔ اول بهسود باحضور مسئولین سازمان نیروی اسلامی و نهضت اسلامی‌وحرکت اسلامی و سازمان نصر و پاسداران جهاد و نیروی صلح برگزار گردید که پس از سه روز بحث و بررسی ، سازمان نیروی اسلامی و نیروی صلح، پیوستن خود را به اتحاد مذکور طبق" منشور وحدت" اعلام داشتند و سایر گروه‌های شرکت‌کننده هم ضمن حمایت از اتحاد ، ابلاغ تصمیم نهائی خود را به جلسهٔ بعدی موکول کردند تا بتوانند مشورتهای لازم‌را در میان خود تا آنزمان بعمل آورند و لذا قرار شد که گردهمائی بعدی در شهرستان ارزگان بتاریخ ۱۵ عقرب ۶۷ صورت بگیرد که متاسفانه‌بعضی از گروهها در موعد مقرر نتوانستند حضور پیدا کنند و لذانشست مذکور صورت نگرفت اما در ۶ قوس ۱۳۶۷ نشست دیگری در جاغوری با حضور احزاب‌و سازمانهای: نهضت‌اسلامی ، دعوت اتحاد اسلامی ، جبههٔ متحد انقلاب اسلامی ، سازمان نصر ، پاسداران جهاد و نیروی اسلامی ، تشکیل شد که پس از چند روز بحث و تبادل‌نظر ، همگی اتحاد را امضاء کردند و تعییناتی هم صورت گرفت و اعضای شورای مرکزی اتحاد هم تعیین گردیدند و بامیان بعنوان مرکز اتحاد انتخاب شد و این اتحاد در یک جلسهٔ عمومی در سنگ‌ماشهٔ جاغوری برای مردم اعلام گردید و با شور و شوق مورد استقبال قرار گرفت اما نمایندگان حرکت اسلامی افغانستان ، امضای اتحاد را به تصمیم مسئولین‌شان در خارج کشور موکول نمودندولذا جناب آقای استاد عرفانی‌یکه‌ولنگ‌بعنوان‌نماینده‌وپیام‌رسان‌اتحاد جدید داخل کشور ، بطرف خارج اعزام گردید تا پیام اتحاد را به مسئولین احزاب در خارج برساند وبا مسئولین حرکت اسلامی و حزب‌الله نیزگفتگو و مذاکره نماید . ایشان پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبهٔ اختصاصی با روزنامهٔ رسالت (۶دیماه (جدی) ۶۷) چنین

گفت :

(با توجه به شرائط خاصی که در داخل وجود دارد و شرائط حساس موجود و تحولات سریعی که اخیرا در مورد افغانستان بوجودآمده ضرورت اتحاد بیش از پیش مطرح شده و تصمیم گرفته شد که ابتداا تحاد در چهارچوب ائتلاف هشتگانه تحقق پیدا کند . ما معتقدیم که اتحاد بین گروه‌های هشتگانه قدم اول است برای ایجاد اتحاد در بین تمامی گروههای مجاهدین مسلمان افغانستان . در حال حاضر گروه‌های‌هشتگانه در داخل افغانستان باهم اتحاد کرده‌اند به این ترتیب که شش گروه بطور کامل باهم بوحدت و اتحاد رسیده‌اند و دوگروه دیگراگرچه بعضی‌از افراد و عناصر آنها در جلسات حضور داشتند و خواستار اتحاد بودند اما چون مسئولین بلندپایهٔ آنها در خارج از افغانستان بودند تصمیم نهائی نگرفتند و در این مورد امیدواریم که بتوانیم با همکاری برادران و مسئولین دو گروه دیگر موفق بشویم . من بعنوان نمایندهٔ اتحاد از داخل افغانستان به اینجا آمده‌ام تا با کمک برادران اتحاد را کامل‌کنیم)

اما متاسفانه در خارج این اتحاد کامل نشد ، با اینکه در ابتدا مورد استقبال قرار گرفت و علماء و طلاب و اقشار مختلف مهاجرین‌ازاین اتحاد پشتیبانی کردند و اعلامیه‌های حمایت دادند و از طرف گروه‌ها هم هشت‌نفر ، آقایان : محقق ترکمن ، محقق افشار ، زکی ، هاشمی ، سیدعالمی ، شفق ، مصطفوی بشمول خود آقای عرفانی ، بعنوان "کمیسیون وحدت" برای پیگیری مسئله و پیشبرد کار ، تعیین شدند و مدتها هم جلسات آنها ادامه پیدا کرد اما از آنجا که در خارج کمتر ضرورت‌وحدت محسوس بود و مسئولین اینجا کمتر مشکلات و نارسائیهای داخل کشور را درک می‌کنند ، این کمیسیون هم به نتیجه‌ای نرسید . بعلاوه اینکه این مقطع اوج فعالیتهای سیاسی و دیپلوماتیک شورای ائتلاف بود و لذابرخی

از گروهها ، عضویت در ائتلاف را بیشتر به نفع خود می‌دیدند تا عضویت در اتحاد را و بدین سان آنهمه زحمات مسئولین و مجاهدین داخل کشور ، در خارج بفراموشی گرفته شد .

گردهمائی عمومی در مرکز *ولایت آزادشدهٔ بامیان* :

باهمهٔ این پیچ و خم‌ها ، مسئولین و فرماندهان ارشد و دلسوز داخل کشور که ضرورت وحدت و خطرات تعدد و تفرقه را باعمق جان درک کرده بودند و تصمیم خلل‌ناپذیر خود را گرفته بودند ، دست از تلاش وجدیت برنداشتند و پس از سپری شدن زمستان سرد و یخ‌بستهٔ هزاره‌جات و آغاز تماسها و ارتباطها برای پیگیری جریان اتحاد ، تعدادی از مسئولین بتاریخ ۶۸/۳/۱۲ به سیزده ولایت کشور که اکثرا شیعه‌نشین هستند ، نامه نوشتند که بتاریخ ۶۸/۳/۲۲ در مرکز بامیان جهت تصمیم‌ـ گیری نهائی جمع شوند اما در ۶۸/۳/۱۴ فاجعهٔ جانگداز ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام‌خمینی (ره) پیش آمد و جهان اسلام در سوگ این بزرگ پرچمدار اسلام ناب محمدی به عزا نشست و مردم‌مسلمان افغانستان مخصوصا در هزاره‌جات ، چهل‌روز را عزای عمومی گرفتند ولذا جلسهٔ پیشنهاد شده در موعد مقرر صورت نگرفت و مجددا به همگی ابلاغ گردید که پس از مراسم اربعین حضرت امام در تاریخ ۶۸/۴/۲۴ همگی در بامیان حضور بهمرسانند و لذا بتاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ راهبران و مسئولان جهاد از سرتاسر مناطق شیعه‌نشین و از کلیهٔ احزاب وگروه‌ها ، جلسات تاریخی و سرنوشت‌ساز خودشانرا آغاز کردند . این جلسات ۹روز ادامه پیدا کرد و اعضای شرکت‌کننده پس از ۱۶ دور جلسه ، تصمیم‌نهائی را مبنی بر اتحاد کامل گروهها اتخاذ نموده و کمیسیونی را مامور نمودند که قطعنامه‌ای را تحت عنوان "میثاق وحدت" آماده نمایند . این‌میثاق

نامه در ۲۰ ماده تهیه گردید و در طی مراسم باشکوهی ، همگی ، میثاق را امضاء نموده و دست روی قرآن گذاشته ، و بنام خداوند سوگند یادکردند که گروههای قبلی را منحل و در راه تشکیلات جدید یعنی "حزب وحدت اسلامی افغانستان" بذل مساعی نمایند .

برای اینکه بعنوان یک سند زنده در تاریخ ثبت شود متن" میثاق وحدت" را در این جا نقل می‌کنیم :

بسم الله الرحمن الرحیم

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم . . .

(میثاق وحدت)

بدیهی است که ملت رشید افغانستان در طول تاریخ ، حماسه‌ها آفریده‌اند و برای دفاع از اسلام و استقلال کشور ، درفش خونرنگ جهاد را بردوش کشیده و باخون سرخشان پاسداری نموده‌اند و با درنظرداشت اینکه ملت مسلمان افغانستان بویژه سلحشورانیکه در قلب افغانستان بسر می‌برند ، با دست‌خالی و قلبهای مملو از ایمان ، بدون هیچگونه کمک خارجی ، تمام مناطق مرکزی را از لوث وجود مزدوران روس پاک نموده و همچنان تا به اکنون آزاد نگهداشته‌اند که در راستای نبرد بی‌امان و پیگیرشان شاهد اخراج روسهای تجاوزگر می‌باشند و توانسته‌اند فراز نوینی را برای اولین‌بار در تاریخ مبارزات رهائی‌بخش جهان بگشایند و از طرفی کفر جهانی در مقابله با انقلاب اسلامی افغانستان تبانی‌نموده و در امتداد سیاستهای استعماری‌شان ، نبرد سیاسی ، نظامی ، اطلاعاتی و .... را علیه مجاهدین و به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی از نوآغاز کرده‌اند . باتوجه به‌مسائل فوق و ملاکهای اعتقادی (واعتصموابحبل الله ... و بنی الاسلام علی دعامتین : کلمه التوحید وتوحیدالکلمه)انسجام هرچه بیشتر نیروهای جهادی و مبارزهٔ آگاهانه در یک صف فشرده ، از

هرزمان دیگر، ضروری‌تر می‌نماید. لذا برای حراست از ارزشهای انقلاب و پاسداری از آرمانهای شهدای انقلاب اسلامی افغانستان تا پیروزی نهائی و تحقق احکام الهی، بر اساس اصول و مبانی ذیل، احزاب و جریانهای اسلامی طی اجلاس تاریخی در مرکز باستانی و تاریخی بامیان از تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ الی ۱۳۶۸/۴/۲۷ میثاق وحدت را تدوین وامضاء نمودند. مواد آن قرار ذیل است:

۱ــ تداوم و تشدید مبارزه برای ایجاد حکومت اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و اصل ولایت‌فقیه.

۲ــ جذب نیروهای سالم و متعهد شیعی بیرون از اتحاد.

۳ــ تلاش در جهت وحدت با تمام گروههای اسلامی برادران اهل سنت.

۴ــ اقدام فوری در جهت رفع تشنجات موجود و جلوگیری از تشنجات احتمالی و تامین آزادی و امنیت مردم در چهارچوب قوانین و مقررات اسلام و مصالح عامه.

۵ــ جلوگیری جدی از هرگونه اقدام و عمل منافی وحدت و تکیه بر علایق و روابط گروهی گذشته.

۶ــ مبارزهٔ جدی با افکار الحادی و غیر اسلامی و التقاطی.

۷ــ نفی هرگونه مذاکره و سازش و معاملهٔ پیدا و پنهان با رژیم مزدور کابل و تشدیدجهاد مسلحانه تا سرنگونی آن.

۸ــ بسیج کلیهٔ نیروهای نظامی در خطوط مقدم جبهات بمنظور تسریع سقوط رژیم مزدور کابل.

۹ــ تلاش در جهت تامین عدالت اجتماعی مبتنی بر حکومت اسلامی با رسمیت داشتن مذاهب جعفری و حنفی که تمامی اقشار، طوائف و ملیتها در پرتو آن از همهٔ حقوق سیاسی، مذهبی و مدنی و ... بدون

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

و همگی به رشتهٔ دین خدا چنگ زده و به راههای متفرق (در میان دین) نروید

وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ

و بیاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید خدا در دلهای

قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ

شما الفت و مهربانی انداخت و بلطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید در صورتیکه در پرتگاه آتش بودید

مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

خدا شما را نجات داد باری بدین مرتبه وضوح و بدین پایه کمال خداوند آیاتش را

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى

برای راهنمائی شما بیان می کند باشد که بمقام سعادت هدایت شوید و باید از شما مسلمانان برخی (که دانا و باتقوی ترند) خلق را بخیر و صلاح

الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ

دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که بحقیقت واسطهٔ هدایت خلق

هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا

هستند در دو عالم در کمال فیروزبختی و رستگاری خواهند بود و شما مسلمانان مانند ملل پیشین نباشید که پس از آنکه آیات و دلائل روشن از جانب خدا

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

برای هدایت آنها آمد باز راه تفرقه و اختلاف پیمودند که البته برای چنین مردمی عذاب سخت

عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾

تبعیض برخوردار گردند .

۱۰ـ کوشش در جهت حفظ استقلال و تمامیت‌ارضی و همبستگی ملی افغانستان ومبارزه با فرقه‌گرائی و تجزیه‌طلبی بهرشکل آن .

۱۱ـ تعیین سرنوشت‌مردم افغانستان توسط ملت‌مسلمان‌ومجاهدین کشور و رد هرگونه مداخلهٔ خارجی .

۱۲ـ برقراری روابط برادرانه و دوستانه با کشورهای اسلامی وضد استعماری جهان .

۱۳ـ همبستگی بانهضتهای اسلامی‌وآزادی‌بخش در سطح جهان .

۱۴ـ اتخاذ مواضع سیاسی در برابر بلوکها و اقطاب استکباری بر اساس اصل نه شرقی نه غربی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری .

۱۵ـ تشکیل شورای مرکزی اتحاد و تعیین مقر فعلی آن در شهر باستانی وآزادشدهٔ بامیان .

۱۶ـ الغای عناوین تشکیلاتی پس از تشکیل جریان سیاسی واحد باعنوان وآرم‌واحد و تدوین مرامنامه و اساسنامه .

۱۷ـ اقدامات لازم درجهت بازسازی و عمران کشور و استفادهٔ مطلوب از منابع ، ذخائر و ثروتهای طبیعی و ملی در جهت بهبود وضع اقتصادی و رفاهی مردم .

۱۸ـ سعی در جهت ایجاد زمینه و امکانات رشد علمی و فکری آحاد ملت افغانستان .

۱۹ـ سپردن امور به نیروها وعناصر صالح و مؤثر و کاردان .

۲۰ـ کلیهٔ مسئولین وامضاءکنندگان میثاق وحدت‌تعهد سپردند که بپاس حرمت خون شهدای انقلاب اسلامی افغانستان با تمام وجود برای تحقق‌وحدت و تحصیل مواد فوق ، تلاش نموده و دیگردنبال‌عناوین و علایق حزبی گذشتهٔ شان نمی‌روند .

امضاء کنندگان

از سازمان نصر: استاد صادقی، مزاری، حکیمی، نوید، سجادی، هادی و واحدی.

از حرکت اسلامی: هادی، فیاض، انوری، عصمت‌اللهی، رضوانی و مدرسی.

از پاسداران جهاد اسلامی: اکبری، رضوانی، فکرت، غفوری و واعظی.

از جبههٔ متحد انقلاب اسلامی: رضائی و احمدی.

از سازمان نهضت‌اسلامی: سعیدی، باقری، افضلی و جعفری.

از سازمان نیروی اسلامی: قائمی، حسینی و جوادی.

تذکر: از حزب‌الله نماینده وجود نداشت و از طرف دعوت‌اسلامی هم آقای سعیدی نهضت وکالت داشتند.

آقای عصمت‌اللهی عضو شورای مرکزی حرکت اسلامی. یکــــی از کسانیکه در آن مراسم حضور داشته و بعد هم یکی از اعضای هیئت‌اعزامی حزب وحدت به‌خارج بوده در مصاحبهٔ خود (مجلهٔ استقامت شمارهٔ ۷۳) می‌گوید: (حرکت اسلامی، پاسداران جهاد و سازمان نصر افغانستان بعنوان میزبانان، از عموم گروههای عضو ائتلاف هشتگانه دعوت بعمل آوردند تا در جلسهٔ تاریخی ۲۰ سرطان ۶۸ در مرکز بامیان حضور بهمرسانند که پس از اعلان این تصمیم، مسئولین، فرماندهان و شخصیتهای جهادی از ۱۳ ولایت به بامیان آمدند. جلسات آغاز و مدت نه‌روز در ۱۶ دور ادامه داشت و سرانجام از طرف تمام اعضای شرکت‌کننده که درحدود ۹۰ نفر می‌رسید، میثاق وحدت در یک فضای مملو از صمیمیت در ۲۰ ماده به‌امضاء رسید وامضاء کنندگان در برابر قرآن کریم، مراسم تحلیف را بجا آوردند که در راستای این اقدام مهم سیاسی، تاریخی، هیئتهای

اتحاد به مناطق شمال کشور و ولایات غزنی ، ارزگان و . . . اعزام شدند تا در جهت تطبیق مفاد میثاق وحدت گامهای عملی بردارند) .

پس از مصوبات و تصمیم‌گیریهای فوق ، مسئولان و بنیانگذاران وحدت ، جلسات‌شانرا برای پیگیری و تکمیل کار همچنان درمرکز بامیان ادامه دادند و در دو محور ، تصمیمات و اقدامات لازم رابعمل‌آوردند :

۱ــ بحث و بررسی در بارهٔ تشکیلات جدید و انتخاب اسم‌وآرم وتهیهٔ اساسنامه و پی‌ریزی بخشهای مختلف تشکیلاتی آن که در این رابطه پس از استخوان‌بندی کلی تشکیلات حزب‌وحدت اسلامی افغانستان بشرح ذیل :

(شورای نظارت بعنوان بالاترین ارگان رسمی وقانونی حزب ، مرکب از شخصیتها وعلما و دانشمندان طراز اول ــ شورای مرکزی ــ کمیته‌های نه‌گانهٔ اجرائی ــ شوراهای ولایتی ــ حوزات و پایگاه‌های فرهنگی و سیاسی و نظامی) تعییناتی بصورت موقت بعمل‌آمده‌ومسئولین و پرسنل هربخش ، نیز انتخاب گردیدند .

۲ــ اعزام بیش از ۵۰ هیئت در نقاط مختلف کشور برای ایجاد هماهنگی‌با قوماندانها و جبهات برادران اهل سنت و تطبیق مفادمیثاق وحدت و ابلاغ تصمیمات حزب‌وحدت‌اسلامی‌افغانستان وحل و رفع اختلافات و تشنجات قبلی .

یکی از هیئتهای حزب وحدت هم هیئتی بود که‌بخارج اعزام شد تا پیام وحدت را به مسئولین‌گروهها درخارج و شورای ائتلاف اسلامی برساند که در این رابطه برای اینکه هم اعضاء و وظائف این هیئت‌مشخص شود وهم خواسته‌ها و انتظارات حزب وحدت از مسئولین خارج ، روشن گردد ، متن نامهٔ‌حزب وحدت را از داخل کشور خطاب به شورای‌ائتلاف ، بعنوان یک سند رسمی و زندهٔ دیگر ذیلا نقل می‌کنیم :

بسمه تعالی

حزب وحدت‌اسلامی افغانستان

سخنگوی شورای ائتلاف اسلامی افغانستان، اعضاء و مسئولین محترم (ایدکم‌الله تعالی)

ضمن عرض تسلیت مجدد رحلت امام امت، خمینی بت‌شکن‌وهدیه صلوات به روح مقدس آن امام عزیز، بدینوسیله به‌اطلاع می‌رساند که:

بر اساس دستورات دین مقدس اسلام و ضرورتهای جهادی‌مبتنی به‌خواست ملت‌خداجوی افغانستان، مسئولین و فرماندهان جهادی، طی اجلاسی از تاریخ ۶۸/۴/۲۵ الی ۶۸/۴/۳۱ میثاق وحدت در ۲۰ ماده مبنی بر وحدت هفت‌گروه عضو ائتلاف هشتگانه را بنام تشکیلات واحد (حزب وحدت اسلامی افغانستان) امضاء کردند که ضمن بشارت وتبریک این اقدام اسلامی و جهادی، توجه حضرات را به نکات زیر جلب می‌نمائیم:

۱ـ اعضای شورای مرکزی این وحدت، خواهان تائیدوپشتیبانی علماء، دانشمندان و مسئولین دفاتر خارج از کشور می‌باشند.

۲ـ تعدادی ازمسئولین و شخصیتهای جهادی‌خارج از کشور نیز عضو شورای مرکزی این وحدت می‌باشند. که حضور حضرات در اجلاس‌اول سنبلهٔ سال جاری حتمی و ضروری است.

۳ـ امیدواریم که در رابطه با تبلیغ و ترویج این وحدت کوتاهی نکرده، بلکه انتظار می‌رود، موانع را در این مسیر همگام‌با برادران‌داخل بردارید.

۴ـ آقایان: نوید، عصمت‌اللهی، مدرسی، قائمی، دلیر، سرور شفق و مبلغ با همکاری حضرات حجج‌اسلام: عرفانی یا شفق، زاهدی، روح‌الله، حسین‌کربلائی و اخلاقی بعنوان هیئت از طرف حزب وحدت

اسلامی افغانستان برای تحکیم وحدت و توحید دفاتر که به مثابهٔ نمایندگی‌های وحدت در خارج می‌باشند، خدمت می‌رسند که در راستای مفاد میثاق، تحقق‌بخش آرمان شهدای انقلاب اسلامی افغانستان ومردم رنجدیدهٔ ما باشند.

قابل تذکر اینکه در بیان مواضع کلی و استراتژیک حزب وحدت اسلامی، در حال حاضر فقط به ۲۰ مادهٔ میثاق وحدت بسنده می‌شود و مزید برآن، شورای مرکزی وحدت در داخل کشور می‌تواند اعلام‌مواضع کرده و تصمیم نهائی را اتخاذ نماید.

۵ــ در رابطه با پیوستن حزب‌الله افغانستان نیز تصامیمی اتخاذ شده که دراین باره هیئت موظف، طبق تصاویب شورای مرکزی حزب وحدت‌اسلامی اقدام می‌نماید. ومن‌اللہ‌التوفیق

محل امضاء آقایان: صادقی، سید محمدهادی، حکیمی، مدرسی، فیاض ارزگان، سیدحسین انوری، فکرت، باقری، افضلی، عبدالعلی مزاری، رضوانی بامیانی، سجادی، حسینی، سعیدی، قائمی، اکبری، رضائی‌و عدهٔ دیگر.

تاریخ ۱۳۶۸/۵/۱

هیئت مذکور پس از ورود به جمهوری اسلامی‌ایران، باحجه‌الاسلام والمسلمین جناب آقای ابراهیمی نمایندهٔ محترم حضرت آیه‌اللہ‌خامنه‌ای در مسائل افغانستان، ملاقات نموده و پیام و نامهٔ حزب وحدت اسلامی را به ایشان تقدیم کردند. در پیام مذکور روی سه نکته تاکید شده‌بود:

۱ــ اعضاء شورای ائتلاف فقط بعنوان نمایندگان جریان حزب وحدت اسلامی می‌توانند تصمیمات لازم را هماهنگ با مواضع اصولی حزب وحدت اسلامی افغانستان، اتخاذ نمایند.

۲ــ همهٔ کمکها و همکاریها تنها از این طریق قابل قبول‌وقانونی

می‌باشد.

۳ـ اصالت تصمیم‌گیری در کلیهٔ مسائل مهم انقلاب اسلامی و کشور، از آن مرکزیت حزب وحدت اسلامی در داخل کشور می‌باشد.

جناب آقای ابراهیمی نیز ضمن قدردانی از هیئت اعزامی فرمودند:
(بوجود آمدن وحدت یک آرزوی دیرین واساسی ما در بین برادران مسلمان افغانی بوده و خواهد بود انشاء الله روزیکه وحدت کاملی صورت گیرد، ما برای تقدیر از این امر رسما جشن خواهیم گرفت).

هیئت مذکور سپس با مسئولین گروهها و اعضای شورای ائتلاف به بحث و بررسی پرداخته و مجموعا چهارجلسه بتاریخ ۱۸ و ۲۱ و ۲۲ و۲۸ /۶/ ۱۳۶۸ برگزار گردید و درمورد مسائل مختلف وحدت تبادل نظر بعمل آمد واکثریت مطلق شرکت‌کنندگان موافقت خود را با اصل وحدت اعلام داشتند اما در مورد جزئیات توافق صورت نگرفت واز آن جمله آیه‌الله محسنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان، تشکیل شورای عالی علمای امامیه و شورای قضائی را بعنوان دو شرط اساسی در تحقق و قبول وحدت، مطرح ساختند و چون هیئت طبق شرح وظائف خود، اجازهٔ رد یا قبول چنین شرائطی را نداشت، مسئله لاینحل باقی ماند و یکبار دیگرهم طرح وحدت داخل و هیئت اعزامی آن، درخارج کشور باعدم موفقیت روبرو شدوتنها نتیجه‌ای که از بحثها و نشستها بدست آمد این بود که قرار شدیک هیئتی عالیرتبه و تام‌الاختیار از طرف شورای ائتلاف مرکب از نمایندگان ذیصلاح گروههای عضو ائتلاف در معیت هیئت اعزامی داخل کشور، بمرکزبامیان در داخل کشور بروند و مسئله را در آنجا یکطرفه نموده و تصمیمات نهائی را اتخاذ نمایند.

پیرو تصمیم فوق، هیئتی مرکب از آقایان: جاوید، موسوی، هاشمی، محقق افشار، احسانی، زمانی و غیرهم رهسپار داخل کشور

شدند و در داخل پس ازچند روز بحث و تبادل‌نظر، سرانجام اعضای هیئت‌مذکور، "میثاق وحدت" را امضاء نموده و حزب‌وحدت‌اسلامی افغانستان را تایید نمودند و باامضای یک توافقنامهٔ چندماده‌ای بخارج کشور بازگشتند . این هیئت با شورای مرکزی‌حزب وحدت اسلامی‌درداخل توافق کرده بودند که اولا هیئتی عالیرتبه از طرف مرکز وحدت بخارج بیاید و ثانیا باآمدن آنها ، شورای ائتلاف ،منحل و حزب وحدت‌اسلامی رسما در خارج هم شروع به کار کند .

اما در داخل کشور، حزب وحدت ، بسرعت و موفقیت ، کار خودرا ادامه داده و از طرف مردم و مجاهدین باشور و هیجان توصیف‌ناپذیری ، مورد استقبال و حمایت قاطع و همه‌جانبه قرار گرفت و مسئولین‌حزب‌هم باتلاش و جدیت تمام ، تحکیم ، تکمیل و گسترش وحدت را دنبال کردند و دستاوردهای عظیمی را نصیب گشتند (دستاوردهای وحدت رادرقسمت دیگر این نوشته ذکر خواهیم‌کرد) و یکی از موفقیتها واقدام موٴثرومثبت آنها در جهت وحدت ، آغاز مذاکره با شورای اتفاق بود چون شورای اتفاق تاآن لحظه نه‌تنها در جریان ائتلاف و اتحاد شرکت نداشت بلکه در بعضی مناطق کشمکشها و تشنجاتی هم بین‌آن گروه و چند گروه دیگر وجود داشت . در اوائل ماه اسد تماسها و ارتباطهائی در این رابطه‌برقرار شد و نمایندگان شورای اتفاق و دوگروه دیگر گردهم آمدند و بالاخره‌برای اینکه زمینهٔ پیوستن شورای اتفاق به حزب‌وحدت‌وکامل شدن اتحاد سرتاسری همهٔ جریانهای شیعی فراهم گردد، نخست طی جلسات ۸ و ۹ /۱۳۶۸/۵ پیمان صلح و تفاهم در ۲۰ ماده بین شورای اتفاق و سازمان نصر و پاسداران جهاد امضاء شده و به اجراء گذاشته شد . این پیمان را از طرف شورای اتفاق ، آقایان: مرتضوی ، رحیمی ، محمدی ، جوادی واحسانی و از طرف نصر، آقایان : صادقی ، حاج‌محمدی ، حاج حیدری ،

رضوی وحاج‌بصیر و از طرف پاسداران ، آقایان : اکبری ، فصیحی ،احمدی مبارز و حسینی امضاء کردند .

در پی این پیمان حاج آقای بهشتی رئیس شورای اتفاق با افراد خود به تخت ورس بازگشتند و اختلافات و کشمکشهائی که دربعض مناطق در این رابطه وجود داشت و یکی از مشکلات و موانع بزرگ و عمدهٔ اتحاد گروهها بود ، بکلی حل و رفع گردید و مدتی بعد حاج‌آقای بهشتی با اعزام چند نفر نماینده در مرکز حزب وحدت در بامیان موافقت‌کامل و بی‌قید و شرط خود را با وحدت اعلام داشتند چنانکه خود ایشان‌بحیث یکی از افراد عضو شورای نظارت حزب وحدت ، کاندیدوانتخاب‌گردیدند.

بدنبال حوادث فوق و طبق توافقنامهٔ که بین هیئت‌اعزامی‌شورای ائتلاف و شورای مرکزی حزب‌وحدت‌اسلامی امضاء شده بود و نیز برای اینکه حزب‌وحدت در خارج کشور نیز بطور رسمی اعلام شود و شروع‌به‌کار کند ، هیئتی بلندپایه و تام‌الاختیار از طرف مرکز حزب وحدت اسلامی افغانستان مرکب‌از آقایان :مزاری ، صادقی نیلی ،سید هادی بهســـودی، هادی بلخی ، حاج شفق سرپلی ، بحر لوگری ، احمدی ، سید شریفی ، مبارز ، شفیق ، شریفی ، باقری ، سعیدی در اواخر زمستان ۶۸ از مرکز بامیان به‌خارج اعزام شدند و بتاریخ ۶۸/۱۲/۲۰ وارد جمهوری‌اسلامی ایران گردیدند .آقای مزاری سخنگوی محترم هیئت بلندپایهٔ‌حزب وحدت‌اسلامی‌افغانستان ، در طی مصاحبه‌ای با رادیو بی‌بی‌سی‌وهمچنین در مصاحبه با بولتن خبری‌حزب وحدت اسلامی افغانستان ، اهداف هیئت را در این سفر چنین بیان داشت :

۱ـ ادغام کلیهٔ دفاتر احزاب‌منحله و تعیین نمایندگی واحد برای رسیدگی به‌امور مهاجرین وحزب وحدت‌اسلامی در خارج .

۲ـ اعلام‌مواضع حزب وحدت‌اسلامی افغانستان .

۳ـ بوجود آوردن نشریهٔ حزب وحدت‌اسلامی افغانستان.

۴ـ در جریان قرار دادن مهاجرین اعم از طلاب، علماء، دانشجویان، کارگران و کسبه از حوادث و رویدادهای داخل کشور.

۵ـ دعوت از اعضای کادر مرکزی حزب وحدت که تابحال بخارج بسر می‌برند و باید داخل بروند.

۶ـ دعوت از اعضای شورای عالی نظارت مقیم خارج که جهت رسیدگی به‌امور جهاد و کشور بداخل بروند.

۷ـ دیدار بامقام رهبری جهان اسلام حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، جهت تشریح برنامه‌های حزب‌وحدت اسلامی افغانستان وحوادث و رویدادهای جاری.

۸ـ جذب کمکهای مهاجرین و طرفداران انقلاب اسلامی‌افغانستان و ارسال آن به جبهات داخل کشور.

پس از ورود این هیئت در تهران، نشستهائی باحضور اعضای هیئت و اعضای شورای ائتلاف و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان برگزار گردید که اکثریت مسئولین گروهها در خارج کشور هم موافقت کامل خویش را اعلام نمودند و در ملاقات با حضرت آیه‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی و ولی‌امر مسلمین، ایشان نیزضمن تاکید بر ادامهٔ جهاد در افغانستان تا پیروزی نهائی، حمایت‌وتائیدشانرا از این وحدت اعلام فرمودند و متذکر شدند که: وحدت چیز ضروری است، نباید این وحدت را آنقدر شرط و شروط قایل شویم که تحقق‌پیدا نکند، اگر هرکسی شرط و شروط مطرح نمود، دیگر وحدت نیست .... حالا که آقایان متفق هستید بر اینکه ائتلاف را تبدیل کنید به یک وحدت سازمانی، بنده موافق هستم مشروط بر اینکه راه ببرید، دیگر گروه‌گرائیها صورت نگیرد... .(مشروح گزارش ملاقات با مقام معظم رهبری در "تجلی

وحدت" خبرنامهٔ حزب وحدت اسلامی شماره ۴ چاپ شده‌است) .

بدین ترتیب حزب‌وحدت‌اسلامی افغانستان با جدیت تمام راه مقدس خود را ادامه می‌دهد و امید است که بعضی از مشکلات و موانع باقیمانده و از آنجمله شرطهائی که از طرف جناب آیه‌الله محسنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان‌مطرح است ، نیز حل شود و با توجه‌به‌پشتیبانی و حمایت قاطع همهٔ اقشار مردم (حمایت و استقبال مردم از وحدت در قسمت دیگر این نوشتار ذکر می‌شود) و با قاطعیت و جدیت واخلاص و صمیمیت و هوشیاری و درایت وانعطافی که در هیئت بلندپایهٔ‌حزب وحدت ، مشاهده می‌شود ، ما صددرصد مطمئن وامیدوار هستیم که این مرام مقدس والهی باکمک و عنایت خداوندی پیش رفته و به آرمان‌دیرینه مردم ماجامهٔ عمل پوشانیده خواهد شد .

بحیث دو ابرقدرت بی‌رقیب، کشورهای جهان را در میان خود تقسیم نموده و هیچ حرکتی را بیرون از بلوک‌بندی و قطب‌سازیهای خودبرسمیت نمی‌شناختند.

در چنین شرائطی بار دیگر ارزشهای برین توحیدی، جاویدانگی خود را باثبات رسانده و در عمق تاریکی و ظلمت قرن بیستم، مشعل خداپرستی و دین‌گرائی پرتوافکن گردید و اسلام بعنوان یک ایدئولوژی نجات‌بخش و مکتب انسان‌ساز، در سطح جهانی، آوای رهائی و قیام برضد مستکبران و طاغوتیان را سر داد. پرچمدار این حرکت‌عظیم‌انقلابی که خود یکی از چهره‌های بزرگ و جاویدانهٔ تاریخ بشریت وتربیت‌یافتهٔ دامن اسلام ناب محمدی و مرشد و معلم و رهبر آگاه امت اسلامی بود، گرچه این نهضت را از سرزمین ایران آغاز کرد اما سرانجام موج آن همهٔ جهان را فرا گرفت و همهٔ بشریت مظلوم را به حرکت و تکاپو انداخت بگونه‌ای که امروز نهضت جهانی اسلام، سنگرهای کلیدی رادر همه‌جافتح نموده و در سطح بین‌المللی همهٔ قدرتها و ابرقدرتها و تفکرات مادی را بزانو درآورده و به بن‌بست کشانده است و می‌رود که یکبار دیگر انسانیت را از عبودیت عبید به عبودیت رب العباد سوق دهد.

یکی از صحنه‌های این مبارزهٔ بی‌امان، سرزمین اسلامی‌افغانستان است که در طول دوازده‌سال با پیکار بی‌وقفهٔ مجاهدمردان مسلمان، برضد کمونیزم و ابرقدرت جنایتکار روس، به یکی از دژهای آهنین‌اسلام تبدیل شده است. مقاومت مردم مسلمان افغانستان، حلقه‌ای ازحلقات بهم پیوستهٔ قیام جهانی امت اسلامی است که با پیروزی نهائی آن، یکی از سنگرهای بزرگ و کلیدی دیگر فتح خواهد شد.

آنچه بیش از هرچیزی دیگر در موقعیت و پیروزی نهضت‌بین‌الملل اسلامی، نقش عمده را دارد همبستگی و وحدت مسلمانان است. این

۳ــ دستاوردهای حزب‌وحدت اسلامی افغانستان

در لابلای صفحات‌گذشته ، اهداف‌و آرمانهای والای حزب‌وحدت اسلامی افغانستان و انگیزه‌ها و عوامل تشکیل و نحوهٔ شکل‌گیری ومراحلی راکه طی نموده ، بطور اختصار متذکر شدیم واکنون لازم است نگاهی بیفکنیم ــ هرچند مختصر و گذرا ــ به دستاوردهای مهم حزب وحدت و اقدامات و پیامدهای مثبتی که بعداز تشکیل این اتحاد ، نصیب ملت مسلمان ما شده است .

قبل از آنکه وارد این موضوع شویم ، فرازی از سخنان شیرین و بامحتوا و صریح وبی‌پردهٔ حجةالاسلام والمسلمین آقای سیدهادی بهسودی را که‌بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۱ در مشهد ایراد نمودند نقل‌می‌کنیم :

(یکی از عوامل مهم اختلافات ، کثرت احزاب‌بود ، چون‌هرکس مطابق برنامه‌اش عمل می‌کرد ، در داخل مجبور بودند خودشانرا حفظ نمایند ، لذا وضعیت‌باثبات نبود ، درخارج هم وضع بدین‌منوال بود منتها بگونهٔ دیگر که هرکسی می‌خواست در راستای گروه وحزب‌خودش گام بردارد اما اتحاد بوجود آمد و گامی بود بسیار بلند و این گام

وحرکت نه بدون مشوره بود و نه اینکه در این لحظه ادعا شود که این حرکت‌هیچگونه نقصی و عیبی ندارد . پس بنابراین گامی که برداشته‌شد ، بسیار بالاتر از تصور بود ، کاریکه سه‌سال باید می‌شد در شش ماه صورت گرفت ، ۱۱ ساله راه را در پنج ماه برگشتیم . یک نمونه از تاثیر وحدت و حزب وحدت اسلامی را در روحیهٔ مردم‌مان خدمت‌تان بعرض‌می‌رسانم : وقتی فرمانده رشید عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی شهیدمی‌شود سخن از نصر و پاسداران نیست ، در ترکمن تمام مردم اشک می‌ریزند و جنازه را دفن‌می‌کنند . مردم عنوانها را فراموش نموده ، فریادمی‌زنند : "ما تحت قوماندهٔ (فرمان) حزب وحدت هستیم" .... بیش از ۵۰هیئت در مناطق رفته و کارهای بسیار مهم راانجام داده است . بابرادران‌اهل سنت‌ارتباط گرفته شده‌است . در بخش نظامی نیز طرحهای عملیاتی متعددی علیه مراکز دولتی ریخته شده است) .

سخنان فوق قسمتی از دستاوردهای حزب‌وحدت را بیان می‌کندکه ذیلا اندکی توضیح و تفصیل می‌دهیم :

۱ـ مهم‌ترین دستاورد حزب‌وحدت‌اینستکه مااکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم‌حداقل برای کلیت تشیع در مجموع ، پلان وطرح بریزیم و مشکلات و دردهای عمومی و اولویتها و ضرورتهای جمعی‌رادرک کنیم و در فکر کل باشیم نه‌جزء ، در حالیکه در گذشته‌چنین نبودیم ویا نمی‌توانستیم چنین باشیم . چوکاتهای گروهی وحزبی ، تاآنجا مسئولان و شخصیتها و مجاهدان‌ما را در خود محدود کرده بودند که هیچ کسی بلندتر و وسیع‌تر از محدودهٔ گروه خود فکر نمی‌کرد و نمی‌توانست برای کل جامعه من‌حیث‌المجموع ، طرح و برنامه داشته باشد و هر شخص و شخصیتی و هر گروه و جریانی که نتواند برای کلیت‌جامعهٔ خود فکرکند و نتواند مصالح عمومی را رعایت نماید ، نمی‌تواند در آن‌جامعه مدعی

رهبری باشد . اما امروز بحمدالله در سایهٔ حزب‌وحدت‌این مشکل‌حل شده است ، وقتی مسئولین حزب وحدت برنامه‌ریزی می‌کنند ، دیگر این‌سخن مطرح نیست که فلان منطقهٔ بخصوص و یا فلان پایگاه و حوزهٔ بخصوص، چه نیازمندیهائی دارد ، بلکه سخن از اینستکه نیازمندیهای کلی‌جامعهٔ تشیع چیست؟ و برای بهبود اوضاع این جامعه چه باید کرد؟ و چگونه باید طرح و برنامه‌ریزی کرد؟ بنظرم این‌مهم‌ترین دستاوردی است که از نظر فکری و عملی بسیار ارزشمند و پرارج و راهگشا است .

۲ـ دومین مسئله خاموش کردن جنگهای داخلی و تامین امنیت مردم است ،گرچه همانطوریکه در گذشته متذکر شدیم حجم درگیریهای داخلی گروههای شیعه در آن حدی نبوده است که در همه‌جا بوق و کرنا شده است ولی بهرحال از وضعیت گذشته همهٔ ما کاملا آگاه هستیم که در داخل مناطق آزاد شده، ارتباطها و برخوردها چگونه بود؟ افرادیک گروه در منطقهٔ تحت تسلط گروه دیگر نمی‌توانستند آزادانه رفت‌وآمد نمایند . مردم بخاطر اختلافات گروهی و بهانه‌گیریهای گروهها علیه همدیگر و جو شایعه و تهمت و تبلیغات سوء ، امنیت‌جانی ومالی‌نداشتند گذشته از تلفات و ضایعات سنگین و هرز رفتن‌نیروها و امکانات بیت‌المال در راه هوا و هوسهای شخصی و گروهی که بهیچ وجه توجیه معقول شرعی و قانونی نداشته و ندارد . این مشکلات‌نیز بحمدالله در سایهٔ حزب وحدت ، حل و رفع شده است . بیش از پنجاه هیئت برای حل همین مشکلات و ایجاد ارتباط بین جبهات و هماهنگی با برادران اهل‌سنت ، از مرکز بامیان در همهٔ مناطق اعزام شده است و این ، کار اندکی‌نیست ، شاید همهٔ گروههای ما در طول دوازده سال گذشته، برای حل‌مشکلات ، ۵۰ هیئت ، نفرستاده باشند و واقعا این سخن ، بسیار معنی‌دار است که "ما یازده سال راه را در پنجاه ماه برگشتیم" و چنین سرعت و تحرکی

جز در سایهٔ وحدت امکان پذیر نبوده و نیست .

۳ـ تشدید عملیات ضد دولتی و اعزام نیروها به خط مقدم جبهات نیز از دستاوردهای حزب وحدت‌اسلامی افغانستان است‌درحالیکه در گذشته هر گروهی ، ساحهٔ تسلط خود را ، خط مقدم جبهه در مقابل گروه دیگر می‌پنداشت و از این سخن البته هرگز قصد توهین نداریم اما یک‌واقعیت بود" گروهها ، همچون گرگها پشت بدشمن و روبسوی همدیگر می‌خوابیدند" تا در بازی رقابت و کشمکش گروهی برای یک‌لحظه از همدیگر غافل نمانند و متوجه حرکات همدیگر باشند ولی‌هنگامیکه این مرزها ورقابتها و تنگ‌نظریها از میان برداشته می‌شود ، قطعا دیگر لزومی ندارد که آنهمه نیروهای نظامی مجاهد و تفنگ‌بردوش ، در پایگاه‌ها و مناطق پشت جبهه ، ساکن و راکد بمانند و لذا بعد از تشکیل‌حزب وحدت همهٔ‌نیروها برای تشدید عملیات نظامی ضد دولتی بسوی خط مقدم جبهات بسیج شدند و فتوحات و موفقیتهای خوبی‌کسب کردند و ضربات‌مهلکی بر پیکر رژیم مزدور کابل واردساختند ولی چون‌مجاهدین قهرمان ما ، زبان تبلیغاتی ندارند و از طرف استکبار جهانی‌ورسانه‌های وابسته به آنها بایکوت هستند ، اخبار عملیات ما راکسی‌نشنیدونمی‌شنود و آنانی هم که می‌شنوند نادیده می‌گیرند . البته در این نوشتار کوتاه هم فرصت‌این نیست که آمار و گزارشهای این عملیات را ذکر کنیم .

۴ـ امید واطمینان‌مردم دستاورد دیگر تشکیل حزب‌وحدت‌است . همانطوریکه می‌دانیم مردم‌ما در سالهای اخیر به یاس و ناامیدی کشیده می‌شدند . تبلیغات و توطئه‌های روسها و کمونیستها از یکطرف‌واختلافات گروهی از طرف دیگر و تعصبات و عملکردهای تنگ‌نظرانهٔ برخی از گروههای مقیم پیشاور از طرف سوم اقشار مختلف مردم را در داخل وخارج کشور ، نسبت به‌جهاد ، دلسرد و از آیندهٔ انقلاب مایوس‌ساخته

بود وحتی برخی از قوماندانها و مجاهدین داشتند فریفتهٔ تبلیغات مسموم رژیم کمونیستی کابل می‌شدند و از احزاب وگروههای جهادی، منزجر می‌گشتند و امروز بحمدالله با این اتحاد و تشکیلات جدید ،مردم ما از نو به آیندهٔ خود امیدوار شده و گمشدهٔ دیرینهٔ خودرابازیافته‌اند .

۵ـ دستاورد دیگر حزب وحدت ، ایجاد مرکزیت برای تشیع‌است. منظور از مرکزیت ، مرکزیت سیاسی و نظامی و فرهنگی و حتی جغرافیائی است یعنی یک نقطه‌ای که تبلور قدرت و لیاقت و اندیشهٔ شیعه باشد وما در گذشته درست است که با جمعیت و نفوس زیادی در مناطق وسرزمین وسیعی و در سراسر افغانستان پراکنده بودیم و سکنی داشتیم‌وکاروفعالیت می‌کردیم و در همه‌جا حضور داشتیم اماهیچ‌جا برای ما مرکزیت حساب نمی‌شد و هیچ منطقه و مجمعی‌را نمی‌توانستیم مظهر اراده و تجسم‌قدرت و تبلور فکر و فرهنگ واخلاق خود بدانیم و معرفی‌کنیم اما امروز درسایهٔ حزب‌وحدت و تشکیلات آن می‌توانیم چنین مرکزیتی را پدید آوریم‌وحتی از نظر جغرافیائی هم می‌توانیم ، بامیان مرکز حزب وحدت ـ این‌ولایت باستانی و تاریخی افغانستان ـ را محل رجوع همهٔ شیعیان افغانستان و جوابگاه‌همهٔ پرسشها و محل اتخاذ همهٔ تصمیم‌ها بسازیم واین عمل برای کل کشور عموما و برای شیعیان خصوصا بسیار مفید و سازنده‌وموءثر خواهد بود .

۶ـ هماهنگی با جبهات و قوماندانهای برادران اهل سنت در داخل کشور یکی دیگر از دستاوردهای حزب وحدت است . درست‌است‌که در گذشته نیز این هماهنگی‌ها در اکثر مناطق و ولایات وجود داشته اما شکل و حجم این هماهنگی‌ها و ارتباطها کاملا تفاوت دارد . هماهنگی‌های گذشته در مجموع بخاطر شرائط خاص هر منطقه و بجهت‌نیازهاواحتیاجات مادی و معنوی متقابل بوده و پشتوانهٔ سیاسی واستراتژیکی نداشته‌است

اما امروز این هماهنگی‌ها در عین اینکه گسترده و وسیع است ، از یک تحلیل و ارزیابی زیربنائی در مورد مسائل بین‌المللی و جهان‌اسلام واوضاع واحوال انقلاب اسلامی افغانستان ، سرچشمه می‌گیرد و واقعا هم هماهنگی و همکاری این دو قشر عظیم ملت مسلمان افغانستان ،درصورتی می‌تواند کارساز و راهگشا و موءثروحلال مشکلات باشد که با آگاهی‌ودرک همدیگر و پذیرش فکری و سیاسی وعملی همدیگر توام باشد و نه براساس معادلات مادی و سیاسی و تحمیل و زور و یا احتیاج و نیاز مقطعی و بر پایهٔ این بینش است که در این‌جا از فرصت استفاده کرده و از همهٔ برادران عالم و اندیشمند شیعه و سنی می‌خواهیم که با توجه به شرائط حساس نهضت جهانی و قیام سرتاسری و بیداری عمومی امت اسلامی برضد استعمار و استکبار و کفر جهانی و باتوجه به بافت خاص سیاسی واجتماعی و فرهنگی افغانستان ، راههای اصولی تقریب این دو مجموعه را جستجو کرده و باتشکیل سمینارها و مجمعهای علمی وفکری ، مشکلات را مورد بحث قرار داده، زمینه‌های سوء استفادهٔ دشمن و فاصله‌ها وجدائیهای روانی و ذهنی را مرتفع سازند .

۷ـ بالاخره تشکیل حزب‌وحدت‌اسلامی افغانستان ، نشانگر بلوغ سیاسی و رشد فکری و آگاهی اجتماعی مردم‌ما است . این اتحاد نشان داد که راهبران و شخصیتها و اندیشمندان و روشنفکران متعهد مامیتوانند در لحظات سرنوشت‌ساز، تصمیمات سرنوشت‌ساز بگیرند و در موقعیکه جامعه بسوی انحراف و یا سقوط پیش می‌رود با یک اقدام انقلابی وسریع و شجاعانه ، از انحراف و سقوط جلوگیری کنند و این همان "خودآگاهی" است‌که‌اگر در ملتی پدید آید و زنده شود ، اعتلا و عظمت و شکست ــ ناپذیری آن‌ملت را برای همیشه بیمه می‌کند و از خداوند متعال‌میخواهیم که ما و همهٔ ملتهای مسلمان را برای همیشه از این نعمت بزرگ‌خودآگاهی بهره‌مند نگهدارد .

۴ـ حزب وحدت اسلامی افغانستان
و مشکلات و راه‌حلها و دیدگاهها

تا بدین‌جا پیشینهٔ تاریخی و تجربهٔ یازده‌سال مقاومت اسلامی مردم افغانستان و عوامل ضرورت تشکیل حزب وحدت‌اسلامی وتلاشهای انجام‌شده و دستاوردهای این تشکیلات جدید را بطور مختصر و گذرا مورد بحث و بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که تجربهٔ یازده سال مبارزهٔ پیگیر و بی‌وقفه و رویدادها و تحولات سریع و سنگین این سالها و دورنمای آیندهٔ انقلاب اسلامی‌افغانستان ،مجاهدین ،فرماندهان و رهبران دلسوز و متعهد و دوراندیش ما راــ مخصوصا در سطح شیعیان افغانستان ــ به این باور رسانید که بدون تحقق یک وحدت‌واقعی‌وحقیقی تشکیلاتی بین گروهها وسازمانهای اسلامی و جهادی، حل مشکلات و بحرانها امکان‌پذیر نبوده و راه بسوی پیروزی نهائی مجاهدین‌وبرقراری حکومت اسلامی در افغانستان نزدیک و هموار نخواهد شد . بدین‌جهت تلاشهای گسترده و مخلصانه‌ای در داخل کشور آغاز گردید و پس از طی مراحلی ،"حزب وحدت اسلامی افغانستان" بعنوان تنها حزب شیعیان افغانستان و در برگیرندهٔ همهٔ گروههای سیاسی و جهادی قبلی ،پایه‌ـ گذاری و تاسیس شد که تاکنون مراحل‌مهمی را طی‌کرده‌ودرداخل‌جبهات

هم بسیاری از پایگاهها و حوزات گروههای قبلی، بهمدیگر ادغام شده‌اند و دستاوردهای عظیمی نصیب مردم مسلمان ما شده‌است.

در این قسمت از نوشتار سعی خواهیم کرد، مشکلات‌وموانع موجود در سر راه حزب وحدت و راه‌حلها و دیدگاهها و طرحهای این حزب‌برای حل مشکلات را مورد اشاره قرار دهیم. البته وقتی که ملتی به آن مرحلهٔ از هوشیاری و خودآگاهی می‌رسد که نقطه‌ضعفها و اشتباهات خود را درک می‌کند و می‌تواند با یک ارادهٔ قوی برای حل مشکلات خود تصمیم‌بگیرد، هیچ مانعی و مشکلی، نمی‌تواند سد راه او شود و یا او را از حرکت‌صعودی و بالنده باز دارد و امروز تصمیم بر وحدت از طرف گروههای سیاسی ما ناشی از همین خودآگاهی است و یک ارادهٔ خلل‌ناپذیر جمعی ووجدان بیدار اجتماعی پشتوانهٔ آن می‌باشد و لذا هیچ مانع و دسیسه‌وتوطئه‌ای نمی‌تواند از پیشرفت و استحکام آن جلوگیری کند. البته این سخن بدان معنی نیست که با هیچ مشکلی در این مسیر مواجه نباشیم و یا هیچ توطئه‌ای در تضعیف آن صورت نگیرد. هر عمل و اقدام انقلابی‌واسلامی، به تناسب اهمیت و عظمت خود، مشکلات بزرگی نیز در مسیر خود دارد و هرچند بزرگ باشد، توطئه‌ها نیز بزرگ و سنگین خواهد بود. تنها درایت و هوشیاری و قاطعیت است که می‌تواند ضامن بقاء و ارتقای آن باشد.

بنابراین بر سر راه وحدت، کنشها و واکنشها و مشکلات و موانع فراوانی است که به تناسب هرکدام باید راه‌حلی در نظر گرفته شود وذیلا بصورت مختصر قسمتی از این مشکلات‌را بر می‌شماریم. مشکلات وحدت در دو ساحه و در دو بعد قابل بررسی است: یکی در ساحهٔ درونی‌وبعد روانی و روحی و دیگر در ساحهٔ برونی و بعد عینی واجتماعی که درساحه اول" جهاد اکبر" لازم است و در ساحهٔ دوم" جهاد اصغر" با دشمنان

آگاه و برخورد ارشادی و منطقی با دوستان ناآگاه و تلاش پیگیر برای‌حل مشکلات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعهٔ افغانستان .

اما در بعد درونی :

دهسال کار و فعالیت در چهارچوب و قالب خاص گروهی ، ذهنها را با افکار خاصی مانوس ساخته و ازاین افکار ، روابط و سیستم اجتماعی و سیاسی خاصی پدید آمده است و دگرگون ساختن این روابط و سیستم حاکم ، دگرگون شدن‌افکار و مانوسیتها وعادتهای اذهان را لازم دارد که در مجموع خود یک انقلاب و تحول بنیادی شگرفی است . برای حل این مشکل تنها سلاح برنده ، " آگاهی" است‌یعنی باید برای توده‌های مردم و اعضاء وهواداران گروهها ، آگاهی داده شود و نقصها وضعفهای تفکرات قبلی و ویژگی‌ها و امتیازات و ضرورت تفکر جدید ، تبیین و تحلیل گردد تا ذهنها از چهارچوب خاصی‌که باآن انس گرفته‌اند ،تخلیه وتصفیه‌شوند و به چهارچوب جدیدی ، آراسته و تحلیه گردند .

مسئلهٔ دوم حل عقده‌ها ، کینه‌ها ، دشمنی‌ها و خصومتهایی است که از دورهٔ پیشین بازمانده است و تااین صفتهای روانی رفع نشوند ، آتش اختلاف در هرلحظه ممکن است که از نوزبانه بکشد . در این‌جا ما به یک عملیات وسیع و دقیق"خصومت‌زدائی" نیازمندیم وروشن است که برای خصومت زدائی تنها یک راه وجود دارد وآنراه هم عبارت است از "عمل صالح" . هیچگاه نمی‌توان عقده‌ها وکینه‌ها وشک و تردیدها را با حرف و سخن و تبلیغات از میان برداشت بلکه باید در عمل نشان داده شود که دیگر در هیچ سینه‌ای ، کینه‌ای نیست و درهیچ عقیده‌ای ، عقده‌ای وجود ندارد و هرگونه شک و تردیدی بی‌پایه و اساس است کهالحمدلله این"عمل صالح" آغاز شده وگامهای اساسی در این راستا برداشته شده است .

مسئله دیگر هم خودخواهیها ، خودمحوریها و ریاست‌طلبی‌هااست که البته فی‌الواقع این خصلتها ربطی بمسائل گروهی نداشتمواز ضعفها و هواهای‌نفسانی ناشی‌می‌شود و حتی ممکن‌است در درون‌وحدت نیزادامه پیداکند و تنها راه مبارزه باآن ، تهذیب‌نفس و ایثار وازخودگذری است

خلاصه مسیر وحدت ، راه صعب‌العبوری است ، راهی‌است مقدس اما دشوار و سنگین که تنها با "جهاد اکبر" می‌توان بر مشکلات آن‌فائق آمد و این جهاد اکبر در شرائط فعلی عبارت است از: آگاهی برزیانهای گروهگرائی و عمل‌صالح برای خصومت زدائی و تهذیب نفس و ایثار واز خودگذشتن و مصالح عمومی را در نظر گرفتن .

اما در بعد برونی :

اولین‌مسئله، حل مشکلات ناشی از درگیریها و اختلافهای قبلی وتامین امنیت مردم در داخل‌کشور است که تاحد زیادی این مشکل حل شده اما مهم اینستکه این امنیت و قطع درگیری همچنان باید ادامه‌پیدا کند و آگاهانه با توطئه‌ها برخورد شود تا مبادا آتش فتنه از نو روشن گردد و مردم‌دوباره مایوس‌گردند و حزب وحدت‌هم لکمدار شود . هرچند هرگونه درگیری مجدد الزاما به معنای عدم توانائی حزب وحدت وباقی ماندن گرایشهای گروهی نیست چون در جامعهٔ ما خصومتهای زیادی وجود داشته و دارد که هیچگونه ریشهٔ گروهی نداشته و ندارد و تنها در زیر نقاب گروهی و ماسک حزبی ، اعمال وانجام می‌شده است امابایدتلاش شود که همین بهانه هم بدست توطئه‌گران و بهانه‌جویان داده نشودواین وظیفهٔ قوماندانهای رشید و مسئولین ولایتی هر منطقه است که باید در این امر مهم‌و خطیر باآگاهی و هوشیاری برخورد نمایند .

دومین‌مسئله برخورد هوشیارانه با توطئه‌های دشمنان اسلام وانقلاب است زیرا امروز هم آمریکا و هم روسیه و هم عوامل‌آنان یعنی

وحدت و همبستگی باید در سه محور عملی شود:

۱- همبستگی بین‌المللی امت اسلامی.

۲- همبستگی جنبشهای رهائی‌بخش اسلامی.

۳- وحدت نیروهای جهادی هر ملتی در ساحهٔ داخلی.

اتحاد مسلمانان و وحدت نیروهای مبارز در واقع تجلی ونمودی‌از "توحید" است و توحید نه تنها پایهٔ اساسی دین بلکه آرمان نهائی جنبش اسلامی است زیرا در هر حرکت اسلامی، مبارزه با شرک و کفر و حاکمیت توحید و یکتاپرستی و یکتاگرائی، هدف اصلی آنرا تشکیل می‌دهد و طبیعی است که با گرایشهای متفاوت و متضاد و حرکتهای‌متفرق و پراکنده نه‌تنها به این هدف نمی‌توان رسید که جبههٔ شرک وکفر هم تقویت‌خواهد شد.

بنابراین اگر "توحید"، هدف و آرمان باشد، وسیلهٔ رسیدن به آن نیز تنها "توحید" خواهد بود و با "شرک"، هرگز نمی‌توان به‌توحید رسید و بدون شک، تفرقه و اختلاف و دشمنی‌های داخلی، یکی از نمودهای شرک - هرچند بصورت خفی - می‌باشد و در مقابل وحدت و یکپارچکی در حرکت بسوی هدف الهی، یکی از نمونه‌های توحید عملی و بل بهترین و برترین‌عبادت شمرده می‌شود.

بنابراین تشکیل "حزب وحدت اسلامی افغانستان" که‌بخش‌عظیمی از نیروهای مبارز و مسلمان این کشور اسلامی را در راه رسیدن به‌اهداف اسلامی و انسانی، متحد و منسجم کرده است، یک گام بزرگ عبادی برای نزدیک‌شدن به خدا و اهداف خدائی محسوب می‌گردد و تحکیم و تکمیل و تقویت آن هم یک وظیفهٔ بزرگ اسلامی است و براین اساس تصمیم گرفتیم برای تشریح انگیزه‌ها، اهداف، دستاوردها، مشکلات و موانع و تاریخچهٔ حزب وحدت اسلامی افغانستان، نوشتهٔ زیر را در

رژیم‌مزدور و ملحد کابل و مائوئیستها و شعله‌ایها و وهابیهای متعصب وجاهل‌و تنگ‌نظر، دست بدست هم داده‌اند تا این صف فشرده‌ای راکه پدید آمده و این‌نونهال مقدسی را که در سرزمین مقاومت‌ما غرس شده، درهم بشکنند زیرا حاکمیت وسیادت آنها تنها باوجود تفرقه امکان‌پذیر است و باوحدت ماهرگز آنها به‌اهداف شوم خود نمی‌رسند و لذا این وحدت را خطر بزرگی برای خود می‌دانند و از هرراه ممکن، ازراه‌تبلیغات مسموم، از راه خریدن ضعیف‌النفس‌ها و واریز کردن دولارها و سرازیر کردن امکانات و تسلیحات و وعده و وعیدها واز راه فتنه افروزیها وجنگ‌اندازیها و از راه چهره و مهره‌سازیهاو علم‌کردن شخصیتها وایجاد شک و تردید و بدبینی‌ها و از هر راه دیگر تلاش خواهند کرد که وحدت این تنها تیر باقی‌مانده در کمان روحانیت و مجاهدین راخنثی کنند ویا حداقل عظمت و ابهت آنرا در هم بکوبند و مسائل و اهداف اصلی را لوث نمایند.

با اندک مطالعه‌ای در سیاست وموضع‌گیری آمریکای جهانخوار در طول دوزاده سال گذشته راجع به مسائل افغانستان در می‌یابیم که آمریکا هرگز"وحدت‌مجاهدین" را به‌نفع خودنمی‌داند. سیاست‌آمریکا بر این مبنا استوار است‌که: اولا در سطح جهان و در هرکشوری از پیشرفت وحاکمیت‌تفکر انقلابی اسلام جلوگیری کند زیرا تنها خطری که منافع استعماری‌آمریکا را تهدید می‌کند، همین موج خروشان به‌اصطلاح"بنیاد- گرائی اسلامی" است و دیگر آن دوره گذشته است که آمریکا و لیبرالیزم غربی، تنها کمونیسم را دشمن‌شماره یک و رقیب بین‌المللی خوداحساس می‌کرد و بهمین جهت در هر کشوری، هر جنبشی را به بهانهٔ اینکه یک حرکت‌کمونیستی است و وابسته مسکو، سرکوب و منزوی می‌ساخت اماامروز که‌کمونیزم بعنوان یک تفکر فلسفی واندیشهٔ سیاسی ـ اجتماعی، به

زباله‌دان تاریخ سپرده شده و در مهد خود یعنی روسیه و اروپای شرقی ، اعتبار وحاکمیت‌خود را از دست داده است و رژیم‌های مبتنی و متکی بر این تفکر یکی پس‌از دیگری سقوط می‌کند ،این‌تنها اسلام است که با پشتوانهٔ محکم فکری و فرهنگی و معنوی ، در مقابل‌تهاجم استعمار ، همچون سدی‌آهنین و استوار ایستاده است‌ومنافع آمریکا را در سطح‌جهان مخصوصا در کشورهای‌اسلامی ، تهدید می‌کند . آمریکا بخوبی درک‌کرده است‌که دشمن‌شماره یک او ، اسلام ناب محمدی است که امروز در اقصی نقاط جهان ، موجب بیداری و خیزش عمومی امت‌اسلامی‌وملتهای‌مستضعف شده است و اگر به پیشروی خود ادامه دهد ، معادلات سیاسی وفرهنگی واجتماعی را در سطح بین‌المللی تغییر خواهد داد و تمدن نوینی را برخرابه‌های تمدن‌مادیگرائی ، بنیان‌خواهد گذاشت .

ثانیا آمریکا سعی دارد که در همه‌جا مهره‌های ساخته‌وپرداخته‌شده و وابسته به‌خود را داشته باشد و در هر موقع مناسب ، مهرهٔ مناسبی را بقدرت برساند و اگر مهرهٔ وابسته بخود نداشته باشد ، حداقل‌عنصر یا عناصری را بقدرت‌بگمارد که از بنیادگرائی اسلامی و تفکر ناب انقلابی واسلامی ، فاصله داشته و ضدیتی با سیاست و مواضع و منافع‌آمریکانداشته باشد .

در افغانستان نیز سیاست آمریکا مبتنی بر همین دو اصل است یعنی از یکطرف می‌خواهد مانع برقراری حکومت اسلامی و پیشرفت‌تفکر اسلامی در افغانستان شود و از طرف دیگر مهره‌های خود و یا عناصر غیر مخالف با سیاست خود را روی کار آورد و اگر می‌بینیم که در طول‌سالیان گذشته ، کمکهائی هم از طرف آمریکا به مجاهدین (اتحاد هفتگانه) شده است ، برای این نبوده که‌اسلام درافغانستان پیشرفت کند و حکومت اسلامی مستقر شود . تنها هدف آمریکا از این‌کمکها به زانـــو در آورد ن

امپریالیزم شوروی و گرفتن انتقام جنگ ویتنام از شوروی بود و بهمین جهت هنگامیکه‌ارتش سرخ شکست خورد و از افغانستان خارج شدوتوافقنامه ژنو بین آمریکا و روسیه به امضاء رسید ، از حجم کمکهای آمریکاهم‌کاسته شد و در بعض موارد بکلی قطع گردید .

از طرف دیگر آمریکا در صورتی می‌تواند به این‌اهداف شوم خود نائل شود که مجاهدین و گروههای سیاسی ، پارچه پارچه و پراکنده‌باشند چون در این صورت زمینهٔ پیروزی نهائی مجاهدین و برقراری حکومت اسلامی فراهم نخواهد شد و متقابلا وحدت گروهها ونیروهای جهادی‌یکی از عوامل اصلی‌و اساسی در سقوط رژیم کابل و برقراری حکومت اسلامی و منتخب مردم می‌باشد و بدون‌وحدت پیروزی مطلوب هرگز فراچنگ‌مردم مانخواهد آمد . بنابراین آمریکا و عوامل آن تمام تلاش‌شان را بکارمیبرند که بین‌مجاهدین و گروههای اسلامی ، وحدتی ــ در هر سطح و سویه‌ای که باشد ــ بوجود نیاید تا با زمینه‌سازیهای لازم مردم را از مجاهدین دلسرد و ناامید سازند و طرحهای مورد توافق خود را به‌اجراء گذارند .

سیاست روسیه و دولت کابل نیز نزدیک به سیاست وخط مشی آمریکا است ، روسها که در بعد نظامی و سیاسی در افغانستان مواجه با شکست فاحشی شدند و در سطح بین‌المللی نیز گرفتار دهها مشکل و بحران هستند ، فعلا در افغانستان به تامین حداقل منافع‌خود قانع هستند یعنی حفظ موجودیت رژیم کابل هرچند در سطح ضعیف‌وبصورت ائتلاف باجناحهای دیگر و بهمین جهت است که رژیم کابل فعلا سعی دارد که در رابطه باآشتی ملی هرروز طرحهای جدید و به‌اصطلاح معقول‌ــ تری ارائه دهد و از طرف دیگر باتشکیل لویه‌جرگه و ایجاد تغییراتی در کابینه و قانون اساسی ، رژیم خود را یک رژیم اسلامی وانمود سازدتاشاید برای زمان بیشتری موجودیت خود را حفظ کند در حالیکه همه‌می‌دانیم

که برقراری یک دولت به‌اصطلاح ائتلافی هرگز خواستهٔ مردم‌ومجاهدین ما نیست و هرگونه ائتلافی باکمونیستها و دشمنان اسلام، خیانت به اسلام وانقلاب و خون مطهر شهدای انقلاب و گردن نهادن به خواستهٔ مورد توافق روسها وآمریکائیها است. آنها بهاین نتیجه رسیده‌اند که پیروزی قاطع و نهائی مجاهدین که‌منجر به‌تشکیل‌حکومت اسلامی‌گردد، هرگز به‌نفع هیچ یک از آنها نیست و برای جلوگیری از این پیروزی، طرح دولت ائتلافی، آنهم از راه انتخابات و یا هرراه دیگر بهترین راه آنها برای رسیدن به هدف است واز سوی دیگراگر در میان‌مجاهدین‌وگروههای اسلامی، وحدت بوجود نیاید احتمال پیروزی قاطع و نهائی مجاهدین، ضعیف خواهد بود که در این صورت راه تحمیل طرح ائتلاف را هموار خواهند ساخت.

ازاین رو است که رژیم‌مزدور و ملحد نجیب سعی‌می‌کند، از هرراه ممکن، از تحقق وحدت در میان مجاهدین جلوگیری بعمل آورد وگاهی تلاش می‌کند که با به‌اصطلاح اظهار حمایت از تشکیل حزب وحدت و یا ابراز همنوائی با شیعیان و مردم مسلمان هزاره‌جات، ساحت مقدس‌حزب وحدت اسلامی و مردم شیعه و هزاره را لکه‌دار نماید و بدبینی‌ها و اختلافها و بدگمانیها را افزایش دهد و با تبلیغات مسموم و زهرآگین، عدهٔ جاهل و ناآگاه را نیز فریب دهد چون نیک می‌داند آنروزی کماین وحدت بصورت‌کامل تحقق یابد و در مرحلهٔ بعد هم مجموعه‌های شیعه و سنی متحد شوند، رژیم او و همهٔ کمونیستها برای همیشه، ازسرزمین اسلامی افغانستان سقوط خواهد کرد.

بنابراین بسیار لازم و ضروری است که راهبران و بنیانگذاران وحدت و مخلصان و هواداران این مرام مقدس و روحانیت متعهد و مجاهدین و مهاجرین عزیز ما بیش از پیش هوشیار باشند و در پیشبرد

این آرمان والا ، کمترین ضعف و تزلزل و تردیدی در خود راه ندهند و در زیر کاسهٔ هرگونه‌مخالفت و تعللی، نیم‌کاسه‌ای راجستجو کنند.
البته این سخن هرگز بدان معنی نیست که تشکیلات وحدت هیچگونه عیب و نقصی ندارد و حتما پیشنهادها وانتقادهای سالم و سازنده، پایه‌های وحدت‌را ، کامل‌تر و مستحکم‌تر می‌سازد اما مهم اینستکه‌بدانیم کدام پیشنهاد و انتقاد ، سالم است و سازنده و کدام‌یک مغرضانه است و تخریبی .

مشکل دیگر هم تحرکات مغرضانه‌ای است که از طرف طیفهای مشخصی صورت می‌گیرد . این طیف‌ها هیچ نقطهٔ اشتراکی ــ جز در مخالفت باوحدت ــ باهمدیگر ندارند . طیف اول روشنفکرمآبانی‌هستند که هنوز پسمانده‌های افکار پایگاه طبقاتی، مبارزهٔ طبقاتی و جامعهٔ فئودالی را بلغور می‌کنند و وحدتی با این مبانی واصول را خواستار هستند . اینها که هنوز هم در" آرمان شهر" و سرزمین اوهام و خیالات بسر می‌برند و از واقعیتهای اجتماعی دورند و یاهرچیز را دریک قالب مخصوص مورد تحلیل‌قرار می‌دهند ، غافلند از اینکه این افکار، حتی در مهد خود یعنی روسیه و بلوک شرق ، به فراموشی گرفته شده و از صحنهٔ سیاسی ــ اجتماعی‌حذف گشته و دورهٔ حاکمیت و جاذبیت‌خود را پشت سر گذاشته است ، چه رسد از جوامع اسلامی که از نظر اصولی و مبانی با این‌افکار تضاد دارد و تجربیات چندسالهٔ‌خود اینها نیز این نکته را ثابت نموده که کمترین نفوذ و موقعیتی نمی‌توانند در جامعهٔ‌اسلامی افغانستان بدست بیاورند اما بازهم‌می‌بینیم که در انحراف و گمراهی خود همچنان‌غوطه‌ورند و می‌خواهند افکار التقاطی و قالبی خود را ، اسلامی و مذهبی و انمود سازند و این‌بار در مقابل‌مهم‌ترین‌وحیاتی‌ترین خواستهٔ ملت بازهم به کارشکنی پرداخته و با تکیه بر چهار نفر مسلح

و پنج نفر هوادار روشنفکرمآبی که دارند به اصطلاح" سیمای مقاومت" را ترسیم می‌کنند و با نشر ایمن جزوه در بارهٔ وحدت ، طرح و معیار ارائه می‌دهند ، در حالیکه ملت‌ما چهرهٔ اینها را در زیر هر نقابی هم‌که باشند ،می‌شناسد و فریب توطئه‌های اینها را نمی‌خورد و مگر همین‌ها نبودند که با افراط و تندروی و روشنفکربازیهای خود ، اولین حرکت وحدت‌طلبانهٔ گروههای ما یعنی" جبههٔ‌آزادی‌بخش انقلاب اسلامی افغانستان" را در سال ۱۳۵۸ تخریب کردند و تا آخرین لحظات از امکانات آن استفاده هم کردند ! اینها که جز خود ، دیگر هیچ کس وهیچ جریانی را برسمیت نمی‌شناسند و قبول ندارند چگونه‌می‌توانند در بارهٔ وحدت ، اظهار نظر کنند . البته حزب‌وحدت ،حزب‌همهٔ‌ملت‌افغانستان است و در صورتیکه اینها اصلاح شوند و از انحراف‌وکجروی‌وروشنفکربازی خود دست بردارند می‌توانند جزئی از ملت باشند ولی مشکل است که‌از آن قالب تنگ فکری و گروهی خود رهائی یابند !

طیف دوم فرصت‌طلبها ، عقده‌ای‌ها و شکست‌خورده‌هائی هستند که هرچند بصورت یک گروه سیاسی ــ فکری نیستند ولی چون‌منافع‌شخصی خود را در خطر می‌بینند و یا از قافله و کاروان انقلاب ، عقب مانده واحساس حقارت‌می‌کنند ، در راه وحدت کارشکنی می‌کنند . اینهامی‌گویند که حزب وحدت و هیئت آن از راه جوسازی و تبلیغات و بدون آنکه با کسی مشورت و بحث نماید ،افکار خود را بر دیگران تحمیل می‌کند ،ولی روشن است که جزوهٔ به‌اصطلاح"وحدت۱" که در تاریخ ۶۸/۱۲/۱۲ و پیش از ورود هیئت محترم حزب‌وحدت در ایران بتاریخ ۶۸/۱۲/۲۰ منتشر شده ، دست به‌جوسازی و تبلیغات زده است .این‌جزوه که باامضای قلابی" طلاب افغانستانی مقیم حوزهٔ‌علمیه قم" و گاهی‌تحت عنوان ساختگی" انجمن حمایت از مهاجرین و مجاهدین" پخش شده‌است ،طرح

وحدت را یک توطئه دهساله تلقی می‌کند و منادیان فعلی وحدت را "زورگو و بی‌سواد" و هواداران مخلص میلیونی وحدت را "کودکان تهی مغز" معرفی می‌کند. البته ما ضمن اینکه به طرحها و نظریات اصولی اینها وهرکس دیگر احترام قائل هستیم، گلایهٔ ما از این آقایان" فاضل باسواد و بزرگسال بامغز" اینستکه چرا برای یکبار در تاریخ هم که شده، این فضل وسواد و مغز را در راه نیک و مثبت و مصالح عمومی به‌کارنمی‌اندازند؟ چرا بجای اینکه ساعتها وقت گرانبها و تفکر و قلم خویش را در چنین جزوه‌هایی ـ که فعلا در افکار عمومی به جزوهٔ آیات شیطانی معروف گشته ـ صرف می‌کنند در جهت اهداف اصولی انقلاب و خدمت به مردم گام بر نمی‌دارند؟ و چرا بیت‌المال را در پخش و نشر و تکثیرچنین‌نشریه‌های ضاله و مضله مورد استفاده قرار می‌دهند؟ ما هیچ وقت صلاح را در این نمی‌بینیم که از روش "مقابله به‌مثل" و "افشاگری" استفاده‌کنیم وگرنه در بارهٔ هرکسی مطالب زیادی برای افشاگری وجود دارد ولی ما همگی عضو یک پیکر هستیم و مصالح عمومی جامعهٔ ما ایجاب نمی‌کند که با افشاگری، بهانه و مدرک بدست دشمنان بدهیم و به‌اصطلاح بازی را به بازار بکشانیم. تقاضای ما از این آقایان اینستکهاختلافات شخصی و جناحی را از راههای اصلی‌آن حل کنند نه اینکه کمر بر بسته و تیشه به ریشهٔ نهال وحدت بزنند و مصالح عمومی را قربانی مصالح شخصی وهواهای نفسانی نمایند و اتهامات و شایعاتی را که نه معقول و منطقی هستند و نه برای هیچ کسی قابل باور، دامن بزنند از قبیل اینکه حزب وحدت، دولتی است و یا ضد ولایت فقیه است و یا .... ماهیچ وقت طرفدار جوسازی و شایعه و تهدید و اخطار و پخش اخطاریه‌ها ـ از طرف هرکسی باشد ـ نیستیم زیرا این عمل‌ها اصولا با وحدت و اهداف ما سازگاری ندارد اما انتظار ما از دیگران هم اینستکه بجای منفی‌بافی

وجوسازی و از نامها و عنوانهای مختلف استفاده کردن ، حرفهای اصلی خود را بصورن منطقی و مستدل و قانونی مطرح سازند. ما از خداوند متعال می‌خواهیم که با عنایت خاصهٔ خود ، مشکلات و موانع را از سرراه وحدت برداشته و همگان را در صراط مستقیم وحدت واقعی و حقیقی هدایت نماید.

مشکلات و نیازهای فوری مردم :

آنچه بیش از هرچیز دیگر و در قدم اول برای حزب‌وحدت‌اسلامی فوریت دارد ، حل مشکلات و نیازهای فوری جامعه و مردم مناطق‌آزادشده است که در قلمرو نفوذ این حزب قرار دارند و پس از دوازده سال رنج و عذاب و کشمکش، اکنون با تمام وجود ، چشم انتظار به‌این تشکیلات دوخته‌اند و سامان یافتن نابسامانیها و ناهنجاریهای اجتماعی وحل‌شدن مشکلات و پرابلم‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را از این حزب می‌طلبند.

البته انتظارات ایده‌آلیستی و خارج از قدرت هم خود یک مشکل دیگر است‌که دشمنان وحدت سعی‌خواهند کرد با عمده‌کردن توقعات و انتظارات و برنیامدن حزب وحدت از عهدهٔ حل آنها ، دست‌به‌تخریب واخلال بزنند و همهٔ تقصیرات را بر دوش مسؤلان و رهبران‌آن‌بگذارند! ما نباید ایده‌آلیستی و تخیلی فکر کنیم و انتظار داشته باشیم همهٔ مشکلات جامعهٔ ما یکشبه حل شود. باید وضعیت گذشته وموجود جامعه و میزان قدرت و توانائی و امکانات مادی و معنوی خود را هم در نظر بگیریم و بدانیم که جامعهٔ محروم و زجرکشیدهٔ ما که در طول سالیان متمادی و در طول چند نسل و چند قرن از هرگونه تجربهٔ سیاسی‌وفرهنگی و از هرگونه عمران و انکشاف اقتصادی و . . . دور نگهداشته شده، تا

آنجا غرق در ناهنجاریها ، کمبودها ، نارسائیها و بدبختی‌ها است که با یک برنامهٔ کوتاه‌مدت قابل اصلاح نیست و باید با یک استراتژی دراز-مدت و در طول چند نسل دیگر تلاش شود تا جامعه و مردم ما قد راست کنند و با بهروزی و آسایش و خاطری آسوده و آرام زندگی نمایند .

آنچه فعلا مطرح است حداکثر رسیدگی به حداقل مشکلات و نیازهای فوری مردم است و بالاتر از آن از عهده و توان حزب وحدت بیرون است .

البته در این نوشتار ما در بارهٔ مسائل سیاسی و نظامی و آیندهٔ سیاسی کشور و انقلاب اسلامی و استراتژی و طرحهای حزب وحدت در این رابطه بحثی‌نخواهیم کرد و در فرصت مناسب دیدگاههای حزب وحدت در این باره، پخش و منتشر خواهد شد . آنچه فعلا قابل بحث و طرح است مسائل فرهنگی و خدمات اجتماعی و درمانی است چون همانطوریکه می‌دانیم جامعهٔ‌ما مخصوصا هزاره‌جات و مناطق شیعه‌نشین در طول تاریخ از مسائل فرهنگی و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی و بهداشتی و درمانی و غیره بطور کامل محروم بوده و در طول دورهٔ انقلاب هم نه فرصت و زمینهٔ مناسب پیش‌آمده و نه امکانات لازم‌وجود داشته تا به این مشکلات که دامنگیر زندگی روزمرهٔ مردم‌است ، رسیدگی و پرداخت شود و اکنون با تشکیل حزب وحدت اسلامی انتظار مردم ما اینستکه زمینهٔ کار و کوشش برای بازسازی و احیای مراکز تعلیمی واحداث وراه‌اندازی پروژه‌های خدماتی و عمرانی ، بوجود آید و آغازین گامها در این راستا برداشته شود .

حزب‌وحدت اسلامی و مسائل فرهنگی :

مامعتقدیم که رمز تعالی و ترقی و بل عامل بقای هر اجتماعی

و هر ملتی ، رشد فرهنگی و علمی آن جامعه و آن ملت می‌باشد و از طرف دیگر در انقلاب اسلامی افغانستان ، روح و جوهره و عامل محرک و جهت‌دهندهٔ آن ، تفکر دینی و ایدئولوژی نجات‌بخش اسلام بوده و هست و لذا تعمیق و توسعهٔ فرهنگ اسلامی و علوم دیگر و تربیت عناصر دانشمند و متخصص و متعهد مسلمان ، یکی از نیازهای مبرم انقلاب ما بوده و یکی از محورهای عمده در چهارچوب اهداف " حزب‌وحدت‌اسلامی افغانستان " می‌باشد و امروز استکبار جهانی هم باتمام‌توان‌تلاش‌دارد‌که انقلاب ما را از روح فرهنگی وجوهرهٔ اسلامی و پشتوانهٔ علمی آن تهی ساخته و به انحراف بکشاند و همین اکنون که کشتی انقلاب ما به ساحل پیروزی نزدیک شده می‌رود ، خلاء کار وسیع وعمیق علمی و فرهنگی ، بوضوح احساس و مشاهده می‌شود و طبیعی است که در فردای پیروزی این خلاء بصورت جبران‌ناپذیرتری نمایان خواهد شد .

از طرف دیگر در طول دوازده سال گذشته در این رابطه نه در داخل و نه در خارج کشور ، اقدام و کار اساسی و بایسته و شایسته‌ای در حد مطلوب صورت نگرفته است . در داخل کشور بعد از بقدرت رسیدن رژیم کمونیستی در ۷ ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ و آغاز قیام اسلامی ، بیشترین ضربه‌ها متوجه روحانیت و معلمین و دانشجویان مسلمان‌ماگردید و نخبه‌گان روحانیت و علمای طراز اول و عناصر متخصص و متعهد ماتوسط بیدادگران رژیم یا بزندان رفتند و شهید شدند و یا مهاجر و آواره گردیدند و بطور طبیعی مراکز تعلیمی و حوزات درسی و تحصیلی نیز بطور کامل تعطیل شدند و در مناطق آزاد شده هم در اثر شرائط نامناسب امنیتی و نبودت امکانات درسی و تحصیلی ، زمینه‌ای برای تحصیل و تعلیم و تربیت فراهم نگردید . در خارج کشور نیز بخاطر مشکلات ناشی از مهاجرت و آوارگی ، وضعیت‌نامطلوب روحی و مساعد نبودن امکانات

دسترس شما قرار دهیم و این نقطه عطفی مهم در تاریخ تحولات سیاسی کشور اسلامی افغانستان را بحیث‌طلیعهٔ پیروزی این ملت وثمرهٔ خون شهدای میلیونی افغانستان ارج نهیم .

لازم درسی و آموزشی ، نتیجهٔ مطلوبی ـ جز در سطح بسیار محدود ـ بدست‌نیامد .

علاوه بر عوامل و مشکلات فوق ، مسئلهٔ تعدد گروهها واحزاب نیز یکی از مشکلات و موانع تهیه واجرای یک طرح اساسی وجامع بوده است که فعلا بحمدالله بامتحد شدن گروههای شیعی و تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان ، این مانع هم رفع شده است .

حزب وحدت اسلامی در کنار سایر فعالیتها و مسئولیتهای سیاسی و جهادی خویش سعی دارد که باتمام توان در این رابطه تلاش نموده و طرحهای مناسب و لازم را در درازمدت و کوتاه‌مدت به‌اجراء گذارد .

قسمتی از طرح" راه‌اندازی مدارس علوم دینی و مدارس‌کلاسیک و مراکز فرهنگی و آموزشی" که زیر نظر کمیتهٔ فرهنگی حزب وحدت ،روی دست گرفته شده و با کمک خداوند در حد توان و امکانات ، به اجراء گذاشته خواهد شد ، بقرار شرح ذیل می‌باشد :

الف ـ حوزات و مدارس علوم دینی داخل کشور :

مردم محروم و زجر کشیدهٔ شیعهٔ افغانستان ، طبق آمار سال ۱۳۵۰ از جمعیت کل کشور که ۱۵ میلیون تخمین زده شده است ، چهار میلیون آنرا تشکیل می‌دهند . گرچه این آمار کاملا دقیق نیست ولی اضطرارا در طرح زیر همین آمار معیار قرار گرفته است .

تعداد مدارس و مراکز تحصیلی در سه مرحله :

۱ـ برای هر سی‌هزار نفر جمعیت ، شش مدرسهٔ ابتدائی دینی جمعا ۴۲۲ مدرسه .

۲ـ برای هر سه هزار نفر جمعیت ، یک مدرسه متوسطهٔ دینی جمعا ۷۴ مدرسه .

۳ــ برای کل جمعیت شیعهٔ افغانستان یک حوزهٔ علمیه عالی برای تدریس و تحصیل خارج فقه واصول و مبانی اسلامی باگنجایش ۳۰۰۰ نفر طلبه و شاگرد .

تعداد طلاب و مدرسین :

۱ــ برای هر مدرسهٔ ابتدائی ۲۰ نفر طلبه و یکنفر مدرس ویک نفر مستخدم .

۲ــ برای هر مدرسهٔ متوسطه ۶۰ نفر طلبه و سه نفر مدرس ودونفر مستخدم .

۳ــ برای مدرسهٔ علمیهٔ عالی ۵۰ نفر مدرس و استاد و ۳۰ نفر مستخدم .

مصارف همهٔ این مدارس در یک ماه جمعا معادل به دولار (۲۷۹۹۶۸) دولار برآورد شده است .

ب ــ مدارس کلاسیک و مرکز دانشگاهی :

در مورد مدارس کلاسیک هم به تناسب جمعیت و آمار مذکور، تعداد ۵۰۰ باب مدرسه با ظرفیت ۱۲۵۹۲۰ نفر دانش آموز و ۶۴۴۱ معلم و دبیر و مدیر در نظر گرفته شده است که از این مجموع ، ۲۹ باب آن مدرسهٔ دهاتی (سه کلاسی) و ۳۲۹ باب آن مدرسهٔ ابتدائی (شش کلاسی) و ۱۲۳ باب آن مدرسهٔ متوسطه (نه کلاسی) و ۱۹ باب آن مدرسه لیسه (دبیرستان) خواهد بود .

واقعا بسیار جای تاسف است که از مجموع این مدارس، که حداقل ۵۰۰ مدرسه در نظر گرفته شده، تنها ۴۰ باب مدرسه فعلا فعال و مشغول کار است و از نظر ساختمان هم تنها ۲۰۹ باب مدرسه دارای عمارت و ساختمان می باشد که تعداد زیاد آنها هم در اثر جنگ و بی توجهی

مردم در طول دوازده سال، مخروبه و ویران شده‌اند که باید مجددا تعمیر شوند و ساختمان تقریبا سه‌صد مدرسهٔ دیگر باید از نو احداث وآباد شود.

اما در مورد دانشگاه که در طول تاریخ از جوانان شیعه جز عدهٔ اندکی، اجازهٔ ورود و تحصیل نمی‌یافته‌اند، حزب وحدت اسلامی افغانستان در نظر دارد که در آینده اگر امکانات‌مادی و معنوی ایجاب کند، دانشگاه مستقلی تاسیس نماید. در این دانشگاه ۱۱ دانشکده در رشته‌های: پزشکی، دامپزشکی، داروسازی، مهندسی، کشاورزی، علوم طبیعی، ادبیات، حقوق، اقتصاد، تعلیم و تربیه و هنرهای زیبا درنظر گرفته شده است که مجموع ظرفیت آنها حداکثر ۱۰۰۰۰ و حداقل ۱۰۰۰ دانشجو خواهد بود یعنی هر دانشکده سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر پذیرش داشته و به تعداد زیادی استاد و استادیار و کارمند اداری و فنی‌احتیاج خواهد داشت.

ج: در *خارج کشور*:

با اینکه در تمام رشته‌های دانشگاهی، احتیاج مبرم داریم ولی راه‌انداختن همهٔ آنها در خارج کشور فعلا غیر مقدور است و باید در درازمدت این مشکلات رفع شود. لذا حزب‌وحدت اسلامی درنظر دارد که در سه رشتهٔ " حقوق، علوم سیاسی و مدیریت دولتی" که نیاز فوری وجود دارد و می‌توان درخود مثلا حوزهٔ علمیهٔ قم امکان تحصیل درآن سه رشته را فراهم کرده و دانشجویانش را از بین طلاب محترم گزینش کرد، دانشگاهی تاسیس کند که در حدود ۴۰۰ دانشجو در هردوسال فارغ‌التحصیل خواهد داشت.

چند پیشنهاد راجع به طلاب افغانی در حوزات علمیهٔ ایران :

حزب وحدت اسلامی افغانستان در مورد طلاب افغانی مقیم حوزات علمیهٔ ایران و کیفیت تحصیل ونحوهٔ کار آنها نیز طرحها و پیشنهاداتی دارد که در موقع مناسب ارائه خواهد شد و دراین‌جا چند پیشنهاد دراموردِ اشاره قرار می‌دهیم :

۱ـ طلاب مبتدی و غیر مبتدی افغانستانی باید بدون محدودیت و تنها با معیار امتحان ورودی ، در حوزات علمیهٔ قم و مشهد و شهرهای دیگر پذیرفته شوند و برنامه‌ریزی آنرا خود حوزات علمیه بعهده‌بگیرند .

۲ـ زمینهٔ اعزام سالانهٔ طلاب افغانی برای تبلیغ در داخل افغانستان فراهم شود و مشکلات شهریه و رفت‌وآمد و بودجهٔ تبلیغی آنها حل گردد .

۳ـ فضلای افغانی فارغ‌التحصیل و غیر شاغل در امور انقلاب اسلامی افغانستان ، با گزینش و انتخاب جهت ادارهٔ امور قضائی‌وتدریس و ادارهٔ مراسم جمعه و جماعات و غیره بداخل افغانستان فرستاده‌شوند و در جهت حل مشکلات آنان از طرف حوزات علمیه برنامه‌ریزی شود .

خوانندهٔ گرامی !

آنچه ذکر شد تنها قسمتی از طرحهای فرهنگی‌وآموزشی است که در صورت اجراء حداقل نیازهای مردم را برآورده خواهد ساخت وطبیعی است که در مورد فعالیتهای نشراتی و مطبوعاتی و تاسیس مراکزتحقیقاتی فکری وعلمی ، برنامه‌های دیگری نیز در نظر است که اگر خدا بخواهد ، بکمک دانشمندان و محققان و نویسندگان متعهد و اندیشمند ، به اجراء گذاشته خواهد شد .

حزب وحدت اسلامی و مسائل درمانی و خدمات اجتماعی :

مانیک می‌دانیم که همهٔ ولایات و مناطق افغانستان، گرفتار محرومیت شدید و مشکلات عظیم و طاقت‌فرسا در مورد مسائل‌بهداشتی و درمانی و خدمات اجتماعی می‌باشند اما بطور قطع مناطق شیعه‌نشین و هزاره‌جات، در محرومیت بیشتری بسر می‌برند. رژیمهای فاسدگذشته هرگز به این مناطق توجهی نداشتند و در مورد مسائل بهداشتی‌ودرمانی کمترین اقدامی صورت نگرفته است. در سرتاسر مناطق هزاره‌جات یک بیمارستان وجود نداشته و تنها چند کلینک فعالیت می‌کردند که آنهاهم بافعالیت کشورهای خارجی تاسیس شده بودند و در دورهٔ انقلاب هم بخاطر فشار جنگ و مشکلات نظامی واقتصادی، مجاهدین‌ما نتوانستند در این رابطه اقدامی بکنند و از کمکهای سیل‌آسای بین‌المللی هم دراین مناطق پشیزی هم نرسید و بدین جهت در اثر اندکترین عوارض بیماری، مردم ماتلفات‌و ضایعات سنگینی رامتحمل شده‌اند و بسیار جای اندوه و تاسف است که در لیست شهدای ما در دورهٔ انقلاب، تعداد زیادآنها کسانی است که نه در میدان نبرد بلکه بخاطر جراحت وخونریزی‌ووجود نداشتن دارو و درمان جان باخته‌اند و دوری راهها و وجود نداشتن راههای مواصلاتی و ارتباطی هم این مشکل را افزون ساخته است‌بطوریکه مثلا یک بیمار و یا مجروح ما ده تا بیست روز راههای صعب‌العبوری را باید طی کند تا به مرز و یا نزدیکترین مراکز درمانی برسد.

بخاطر این مشکلات طاقت‌فرسا است که حزب‌وحدت اسلامی افغانستان در نظر دارد در ظرف چندسال آینده، پروژهٔ تاسیس‌واحداث ۲۳۲ درمانگاه و ۲۴ بیمارستان را درسرتاسر مناطق تحت نفوذ خود به اجراء گذارد و در قسمت سرک (جاده) سازی، پنج سرک (جاده) را در

میان مناطق: (۱ـ دره‌صوف ـ یکه‌ولنگ ۲ـ بلخاب ـ یکه‌ولنگ ۳ـ کجران ـ خدیر ۴ـ لعل ـ سنگ‌تخت ۵ـ یکه‌ولنگ ـ سرجنگل) احداث کند وجاده‌های دیگری را که در طول دورهٔ انقلاب، خراب و غیر قابل استفاده گشته است، ترمیم و تعمیر کند.

در این‌جا از فرصت‌استفاده کرده، از همهٔ کشورها و ملتهای مسلمان و موٴسسات خیریه و سازمانهای کمک‌رسانی بین‌المللی می‌خواهیم که حزب وحدت اسلامی افغانستان را در امر طرح و اجرای این‌پروژه‌های فرهنگی واجتماعی یاری نموده و مردم محروم و رنج کشیده و ستمزدهٔ ما را در احیاء و بازسازی این کشور ویرانه وخراب شده از جور و ستم، کمک نمایند.

همچنین از همهٔ علماء، دانشجویان، پزشکان، مهندسان‌وعناصر متخصص و آگاه و متعهد افغانستانی مقیم در خارج از کشور تقاضا داریم که ندای مظلومانه و کمک‌طلبانهٔ ملت‌خود را لبیک گفته و اندیشه‌وتخصص وآگاهی خویش را در جهت خدمت به مردم مستضعف و مسلمان به‌کار اندازند زیرا احیاء واحداث واجرای طرحها و پروژه‌های فوق به صدهانفر مدرس، استاد، معلم، مهندس، پزشک و عناصر متخصص و فنی دیگر احتیاج دارد و ما باید با تلاش و ایثار و فداکاری خود، سرمایه‌وامکانات و پرسنل این طرحها را تهیه کرده و بر پای خود بایستیم و میهن‌اسلامی خود را بسازیم و سرافراز و باافتخار و برادروار در کنار مردم خود زندگی کنیم.

۵ـ حمایت قاطع و استقبال بی‌نظیر اقشار مختلف مردم از حزب وحدت اسلامی افغانستان

در طول دوازده سال گذشته، در مورد هیچ رویدادی بیادنداریم که تا این اندازه مورد حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه و استقبال گرم و پرشور و بی‌نظیر اقشار مختلف مردم قرار گرفته باشد. از همان سال ۶۷ که آوای وحدت در مناطق آزادشده طنین‌انداز گردید، مردم مسلمان ما در داخل وخارج کشور با هیجان خاصی آمادگی و همکاری خویش رااعلام داشته و برای تحقق کامل این مرام مقدس، دقیقه‌شماری می‌کرده‌اند.

گرچه متاسفانه اسناد و مدارک حمایتهای داخل کشور دردسترس مانیست اما حمایت‌های خارج کشور را تا آنجا که اسناد و مدارک آن بدست این‌جانب رسیده است، بطور مختصر در این قسمت از این نوشتار منعکس می‌کنیم:

۱ـ بتاریخ ۶۷/۸/۱۱ اعلامیه‌ای از طرف (جمعی از طلاب‌وفضلای پاسداران جهاد اسلامی افغانستان ـ جمعی از طلاب و فضلای سازمان نصر افغانستان و جمعی از طلاب و مهاجرین بیطرف و غیرگروهی‌مقیم‌قم) منتشر گردید که قسمتی از آن بدین شرح است:

۱ـ ما از همهٔ گروههای عضو شورای ائتلاف عاجزانه می‌خواهیم

که به این ندای خیرخواهانه و حق‌طلبانه لبیک گفته و بدون بهانه‌تراشیها و تحلیلهای پوچ و واهی به فریاد مظلومانهٔ ملت مسلمان پاسخ مثبت دهند و با الغای کلیهٔ نشانها و مشخصات گروهی، تشکیلات جدید نیرومند و انقلابی واحدی بوجود بیاورند.

۲ـ ما از همهٔ مردم مسلمان افغانستان و علماء و فضلاء و طلاب جوان و دردمند حوزات علمیه و کارگران و مهاجرین عزیز می‌خواهیم که با اقدام فوری از این طرح اعلام حمایت کرده و با فشار وارد کردن بر دفاتر و نمایندگی‌های گروهها، آنان را وادار به قبول این طرح نمایند و هوشیارانه از جوسازیها و شایعه‌پراکنی‌ها که قطعا توسط عده‌ای منافق و مزدور و خائن صورت‌می‌گیرد جلوگیری کنند.

۲ـ بتاریخ ۶۷/۱۰/۴ اعلامیه‌ای از طرف (علماء و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزهٔ علمیه قم) به تائید طرح وحدت منتشر گردید که در قسمتی از آن آمده است:

(بحمدالله در اینا واخر آوای وحدت از گوشه و کنار، از داخل و خارج، بگوش می‌رسد که از همه مهمتر ندای وحدتی است کهازسنگرهای عزت و شرف و از جبهه‌های آتش و خون، گوشها را نوازش می‌دهد، این خود مایهٔ امیدواری و پشتوانهٔ بزرگی است برای مجاهدین سنگر اتحاد.
لذا علماء و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزهٔ علمیه قم و مشهد این نغمهٔ جان‌بخش وحدت را به فال نیک گرفته، اعلام می‌دارند کهاز اتحاد سرتاسری تمام جریانهای اسلامی حمایت کرده و تاتحقق کامل آن از پای نخواهند نشست. احیانا اگر فردی یا گروهی در این راه مانع‌تراشی و دسیسه‌چینی کند تذکر داده می‌شود که بیش از این با آبروی ملت‌بازی نکرده و تلاشهای خیرخواهانه را به باد مسخره نگرفته، چشم و گوش باز کنند و خدا و قیامت و وجدان انسانی را در نظر بگیرند وگرنه با قهرخدا

و خشم‌ملت روبرو خواهند شد) .

۳ـ همچنین (تاریخ روز و ماه در متن اعلامیه‌نیامده‌است) اعلامیه دیگری از طرف : (علماء ، روحانیون و محصلین افغانستان مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم) منتشر شد که در قسمتی از آن‌آمده است :

(حال که به عنایت خداوند متعال و بکوری چشم‌کسانیکه‌نمیتوانند صفوف بهم‌فشردهٔ ملت ما را ببینند ، مسئولان هوشیار و بادرایت‌سیاسی ـ نظامی احزاب اسلامی شیعی که صاحبان اصلی انقلاب اسلامی‌می‌باشند در داخل کشور متحد شدند ، ما طلاب و روحانیون افغانستانی مقیم‌حوزه علمیهٔ قم ، ضمن تشکر و قدردانی از کسانیکه در این حرکت تاریخی‌نقش داشته و دارند ، حمایت کامل خویش را از وحدت احزاب اسلامی‌شیعی در افغانستان اعلام می‌داریم و عقیده داریم که هرگونه تضعیف و یا خدای ناکرده مخالفت باوحدت ، خیانت بخون سرخ شهداء و آرمان مقدس انقلاب اسلامی می‌باشد .لذا از مسئولان محترم شورای ائتلاف اسلامی انتظار داریم که به رسالت عظیم و تاریخی خویش عمل نموده ، ضمن تائید و تقویت این امر خداپسندانه (وحدت) بار دیگر قلوب شکستهٔ ملت ما را شاد نموده و دشمنان انقلاب اسلامی افغانستان وکسانی را که منافع شخصی‌شان را بر مصالح ملت ما ترجیح می‌دهند به عزا بنشانند) .

۴ـ بتاریخ ۶۸/۱۰/۵ اعلامیه‌ای از طرف (طلاب افغانستانی حوزهٔ علمیهٔ امیرالموٴمنین ـ تهران) منتشر گردید که در قسمتی از آن آمده است :

(با اولین اقدام بنیانگذاران وحدت ، چشم ناامید همگان در خارج و داخل روشن و امیدوار گشت و همگان با قلب آکنده از شوق‌وعلاقه از آن استقبال نموده وحزب وحدت اسلامی را بعنوان آرمان دیرینه

پذیرفتند . این اقدام بزرگ و پیروزی بی‌نظیر را که سرنوشت آیندهٔ ما را روشن‌تر و پایه‌های حکومت‌اسلامی آیندهٔ ما را مستحکم‌ترخواهدساخت برای بنیانگذاران وحدت و ملت قهرمان و مجاهدپرور افغانستان و مهاجرین عزیز تبریک عرض می‌نمائیم و پشتیبانی بیدریغ خویش را از این پیروزی اعلام نموده و مخالفت آگاهانه و ناآگاهانه با آن را به نفع روس و بضرر آیندهٔ کشور می‌دانیم و امیدواریم خداوند بزرگ ،مجاهدین سبیلش را همچنانکه تاکنون یاری و هدایت نموده است ، در ادامهٔ راهشان نیز یاری فرموده و توانائی و توفیقات بیشتر عنایت فرماید) .

۵ـ بتاریخ ۶۸/۱۰/۱۴ اعلامیه‌ای تحت عنوان آزمایش بزرگ برای احزاب اسلامی افغانستان از طرف (جمعی از طلاب افغانستانی مقیم حوزهٔ علمیه قم) منتشر گردید که در قسمتی از آن آمده‌است :

(توصیهٔ ملت مقاوم و مجاهد به تمامی مسئولین احزاب مستقر در خارج از کشور بویژه شورای ائتلاف اینکه بخاطر حفظ اسلام وانقلاب وشادی ارواح شهداء و در راه تحقق آرمان" حزب وحدت‌اسلامی "فعالانه تلاش نمایند ، دیگر عمر عزیزشانرا صرف گروه‌گرائی و ائتلاف‌بازی نکرده وخود را تافتهٔ جدابافته از ملت حساب نکنند و بدانند که پیوستن به "حزب وحدت اسلامی " یعنی هماهنگ شدن با دریای خروشان ملت ،شرط و شروطی لازم ندارد . . . آقایان باید از گذشته‌ها درس بگیرند ، بیش از این با سرنوشت‌ملت و ارزشهای انقلاب بازی نکنند ، بدور از هرگونه تعصب وخودخواهی در اسرع وقت ، دست وحدت و برادری را بسوی برادران جهادی داخل دراز کنند ، دفاتر مربوطهٔ احزاب باید یکی‌شوند ملت دیگر چندتا دفتر نمی‌خواهد .....) .

۶ـ بتاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۸ اعلامیه‌ای از طرف (علماء ، طلاب و دانشجویان سازمان نصر افغانستان مقیم قم) منتشر گردید که ضمن آن

۱ــ پیشینهٔ تاریخی

طلوع و افول هر پدیدهٔ سیاسی ــ اجتماعی در جوامع بشری ــ همچون هر پدیدهٔ دیگر ــ معلول یک سلسله علل و عوامل و حوادثی است که بتدریج در بستر زمان شکل می‌گیرند و با طی فراز و نشیبها ومراحل معینی ، پدیدهٔ جدیدی را در صحنه می‌آورند و یا باعث سقوط و انعدام پدیدهٔ دیگری می‌شوند .

پدیدهٔ " حزب وحدت اسلامی افغانستان" که اکنون در صحنهٔ تحولات سیاسی افغانستان ، تبارز نموده و بحق یک تحول شگرف‌واساسی و تعیین‌کننده در جامعهٔ شیعی این سرزمین می‌باشد ، معلول حوادث و رخدادها و تحولاتی است که در ظرف دوازده‌سال گذشته اتفاق‌افتاده و به این مرحلهٔ نوین ، منتج شده است . برای توضیح این مطلب به پیدایش احزاب و پیامدهای آن در سیررویدادهای سیاسی ــ اجتماعی کشور اشاره می‌کنیم :

تجربهٔ سازماندهی و تشکیلات اسلامی ــ بمعنا و مفهوم جدید آن ــ در تاریخ افغانستان تاریخ چندان طولانی ندارد و شاید از دوسه دهه تجاوز نکند ، گرچه عمل سیاسی و مبارزه بر ضد استبداد وطاغوت ، از دیرزمان توسط نخبگان مسلمان و عالمان و روشنفکران متعهد ما جریان

استعفای خود از سازمان مزبور و پیوستن خود را به حزب‌وحدت‌اسلامی افغانستان اعلام داشتند. این اعلامیه که در سه صفحه با چهار ماده منتشر شد، در آن موقع یک اقدامی بسیار متهورانه و شجاعانه درخارج کشور تلقی شد و دررابطه با وحدت تاثیری بسزا و مهمی‌داشت.

۷ــ بدنبال اعلامیهٔ استعفائیه مذکور، بتاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸ طلاب افغانستانی سازمان نصر مقیم در جامعهٔ امیرالموٴمنین ــ تهران، استعفای خود را از سازمان نصر و حمایت کامل خویش را از حزب وحدت اسلامی افغانستان اعلام کردند.

۸ــ از طرف روحانیون و مهاجرین افغانستانی هوادار سازمان‌نصر افغانستان مقیم‌مشهد بتاریخ ۶۸/۱۰/۲۳ اعلامیه‌ای منتشر گردید که ضمن برشمردن دستآوردهای عظیم وحدت، در قسمتی از آن‌آمده‌است:

(از علمای اعلام و طلاب انقلابی و دردمند و بزرگان مهاجر شیعه که قدرت اصلی هدایت فکری مردم بدست‌شان است می‌خواهیم که در این برههٔ حساس به وظیفهٔ تاریخی‌شان عمل و مردم را برای‌پیوستن به "حزب وحدت اسلامی" بسیج نمایند و با اجتماعات در کنفرانسهای انقلابی، از مسئولین احزاب شیعی مجدانه بخواهند که به اتحادپیوسته و قلب امام زمان را شاد نمایند و راضی نگردند که بعد از این‌بااختلافات و جنگها، موقف شیعه و موفقیت ممتاز جهادی تشیع ضعیف و کمرنگ گردد).

۹ــ از طرف‌مهاجرین و کسبه‌کاران افغانستانی مقیم مشهد مقدس، اعلامیه‌ای پخش شد که در قسمتی از آن آمده است:

ضمن اعلام پشتیبانی از تشکیل حزب وحدت اسلامی در بامیان باستان، بخاطر حفظ خونهای پاک شهدای میهن، ازعموم احزاب و سازمانهای اسلامی و شورای محترم ائتلاف اسلامی افغانستان وعلماء،

طلاب ، مهاجرین و مجاهدین هموطن می‌خواهیم که با ایمان راسخ وقلب مطمئن از میثاق وحدت پشتیبانی نموده ، بلوغ سیاسی واحساس مسئولیت انقلابی‌شانرا به نمایش گذارند).

۱۰ـ جامعهٔ روحانیت شمال افغانستان مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم بتاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۴ ، اعلامیه‌ای منتشر نمود که در بخشی از آن آمده است :

(جامعهٔ روحانیت افغانستان (مقیم حوزهٔ علمیه قم ـ بخش شمال) پشتیبانی از حزب وحدت اسلامی را وظیفهٔ شرعی خود و تمام مسلمین افغانستان می‌داند و هرگونه حرکتی که به کندی ماشین وحدت از بنیاد جامعه بیانجامد ، گناه نابخشودنی است . از تمام طلاب و فضلای حوزهٔ علمیه قم ، مشهد و حوزه‌های داخل کشور می‌خواهد که با تمام امکانات خود برای تحکیم اصولی وحدت اسلامی تلاش کنند و همچنین از تمام گروهها و نهادهای سیاسی رسمی و غیر رسمی که مشغول فعالیت‌اند می‌خواهیم به حزب وحدت اسلامی بپیوندند و در رفع کمبودهاونقیصه‌ها و مشکلات آن تلاش کنند) .

۱۱ـ در اعلامیهٔ روحانیون و طلاب افغانستانی مقیم حوزهٔ علمیه اصفهان آمده است :

(با درک شرائط و اوضاع سیاسی حاکم ضمن آنکه از ابتکاروحدت در میان احزاب شیعی قدردانی می‌کنیم ، عقیده داریم که حرکت بسوی تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان ، گام بلندی است درجهت‌تحقق اهداف مقدس شهیدان و خواسته‌های برحق ملت ستمدیدهٔ افغانستان و ما براین باور هستیم که سعادت و بقای ملت ما در وحدت و اتحاد بعنوان یک ضرورت کلی و عینی نهفته است . ضمن پشتیبانی وحمایت‌از وحدت همهٔ نیروهای مبارز و مسلمان جهادی ، خواهانیم که مسئلهٔ

وحدت را تعقیب و پی‌گیری نموده و آنرا صورت عمل ببخشند و دور از آلایشهای تبلیغات ، مخلصانه در این راه گامهای عملی بردارندکه‌وحدت و اتحاد کلیهٔ نیروهای مسلمان خواستهٔ ما و همهٔ ملت مسلمان‌افغانستان می‌باشد) .

۱۲ــ طلاب افغانستانی مقیم حوزه‌های علمیهٔ شیراز در بخشی‌از اعلامیهٔ خود آورده‌اند :

(به این‌مناسبت ما طلاب افغانستانی مقیم حوزه‌های علمیه‌شیراز ضمن تائید این طرح مکتبی وانقلابی و اعلان هرنوع همکاری خالصانه ، از همهٔ اقشار ملت و خصوصا از اعضای محترم شورای ائتلاف ، طلاب و روحانیون آگاه و دلسوز تمنا داریم که با کمال واقع‌بینی ،ضمن اعلان تائیدات بی‌شائبه‌شان ، موانع موهوم را شکستانده و وارد صحنهٔ عمل گردند که درآنصورت خداوند منان نیز باما خواهد بود) .

۱۳ــ احزاب و سازمانهای عضو ائتلاف اسلامی افغانستان مقیم مشهد در ضمن بیانیه‌ای اعلام داشتند :

۱ــ در شرائط فعلی کشور و انقلاب ما ، ادامهٔ مبارزه علیه دشمن را در گرو وحدت و انسجام دانسته و حمایت همه‌جانبهٔ خویش را از وحدت برخاسته از سنگرهای گرم و خونین میهن اعلام داشته و هرگونه کارشکنی و اشکال‌تراشی و تعلل را در این امر مهم ، خیانت به آرمان شهدای انقلاب اسلامی می‌دانیم .

۲ــ از مسئولان محترم شورای ائتلاف اسلامی و سایر دفاتر تقاضامندیم که به پیروی از تصمیمات داخل ، گامهای عملی‌برای وحدت وانسجام برداشته و ائتلاف را تبدیل به" حزب‌وحدت‌اسلامی" نمایند .

۱۴ــ علماء و طلاب ولایت غزنی مقیم حوزهٔ علمیه قم بتاریخ ۶۸/۱۲/۳ در اعلامیه‌ای تحت عنوان" از حزب‌وحدت اسلامی‌افغانستان

حمایت می‌کنیم" متذکر شدند:

(از اعضای محترم شورای ائتلاف اسلامی افغانستان جدا تقاضا می‌شود (همانطوریکه نمایندگان اعزامی تام‌الاختیار آنها حزب وحدت اسلامی افغانستان را تائید و امضاء نموده‌اند) که بحمایت قولی اکتفا ننموده بلکه با منحل نمودن برنامه‌های حزبی و گروهی خودهاوباپیوستن به حزب وحدت اسلامی آرمانهای جهاد مقدس را دنبال نمایند).

۱۵ـ علماء، طلاب ودانشجویان سازمان نصر افغانستان‌مقیم‌حوزه علمیه قم ـ بخش میدان ـ بهسود در بخشی از اعلامیهٔ خود متذکر شدند:

(تشکیل حزب وحدت اسلامی فصل باشکوهی است در تاریخ خونین جهاد که رایت تشیع مظلوم را به شانه می‌کشد و سنگرهای‌سیاسی و نظامی و ایدئولوژیک اسلام ناب محمدی را در افغانستان پاس‌می‌دارند. انتظار جدی ما از اعضای شورای ائتلاف اینستکه بخاطر مصالح عالی انقلاب اسلامی به حزب وحدت اسلامی افغانستان بپیوندند).

۱۶ـ اعلامیهٔ حرکت انقلاب اسلامی افغانستان (مولوی منصور) شورای ولایتی کابل ـ قرارگاه شاد و شمشیره ولی(ع) به تائید از حزب وحدت منتشر گردید که در قسمتی از آن آمده است:

(این بار رادمردان و بزرگان و فرزندان راستین اسلام‌ومجاهدین آگاه نمایندگان هشت‌میلیون انسان مسلمان و مبارز مجاهدین راه خدا، افتخار بس بزرگ را به ارمغان آورد، با نشست نمایندگان وفرماندهان مجاهدین از احزاب هشتگانه از تمام ولایات کشور درمرکز بامیان تجمع کرده و بالاخره توافق کردند، انحلال تمام گروههای مربوط را در تمام ابعادش اعلام و اتحاد کامل بنام حزب وحدت اسلامی افغانستان بوجود آورد و میثاق وحدت را امضاء نمودند. حرکت انقلاب اسلامی ـ شورای

ولایتی‌کابل ، قرارگاه دوشمشیره (ع) که برهبری مرد ربانی مولوی‌صاحب منصور می‌باشد ، این عمل نیک برادران حزب وحدت اسلام را که‌صفحهٔ جدیدی بتاریخ انقلاب خونبار ما گشوده است ، بتمام ملت مسلمان افغانستان تبریک عرض نموده و پشتیبانی عمیق خویش را از حزب‌وحدت اسلامی افغانستان اعلام نموده واز خداوند متعال مسئلت داریم که بر توفیقات دست‌اندرکاران این وحدت مقدس بیفزاید و از برادران‌گروههای هفتگانه نیز می‌خواهیم که بپاس حرمت خون شهدای انقلاب ، دست از تکروی برداشته ، انقلاب اسلامی را باخودخواهی منحرف نسازند وروحیهٔ جهادی وانقلابی ملت را تضعیف نکنند) .

خوانندهٔ گرامی !

اعلام حمایتها از حزب وحدت اسلامی افغانستان درآن حد زیاد و گسترده است که اگر تنها به ذکر قسمت کوتاهی ازبیانیه‌ها واعلامیه‌های صادره از طرف طلاب ، علماء ، اساتید ، دانشجویان ، کارگران و اقشار مختلف مردم اکتفا کنیم خود یک کتاب بزرگی خواهد شد که با هدف‌این نوشتار کوتاه سازگار نیست ، لذا بقیهٔ حمایتها و پشتیبانیها را تنها بطور فهرست ذکر می‌کنیم :

۱۷ـ اعلامیهٔ حمایت از طرف عده‌ای از طلاب شمال افغانستان بتاریخ ۱۳۶۸/۶/۱۱ .

۱۸ـ اعلامیهٔ مهاجرین مسلمان افغانستان مقیم یزد .

۱۹ـ اعلامیهٔ علماء و طلاب ارزگان مقیم قم بتاریخ۱۳۶۸/۱۲/۱۸

۲۰ـ اعلامیهٔ جمعی از طلاب و دانشجویان هزاره‌جات مقیم مشهد بتاریخ ۶۹/۱/۱۶ تحت عنوان (ترحم به نسل قربانی) .

۲۱ـ اطلاعیهٔ طلاب افغانستانی حوزهٔ علمیه حضرت‌عبدالعظیم (ع) تهران بتاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۳ .

۲۲ـ اعلامیهٔ کتابخانهٔ جوادیهٔ بلخ.

۲۳ـ اعلامیهٔ کتابخانهٔ فرهنگی ـ هنری امام محمد باقر ـ قم بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۰ .

۲۴ـ اعلامیهٔ طلاب افغانستانی مقیم حوزه علمیقهٔ قم (مدرسهٔ الجواد) .

۲۵ـ اعلامیهٔ اعضای شورای مرکزی اتفاق اسلامی افغانستان ـ سید عزیزالله عمرانی و سید رحمت‌الله مرتضوی .

۲۶ـ اعلامیهٔ نماینده واعضای شورای مرکزی خارج از کشور و روحانیت قم ، مشهد ، اصفهان مربوط شورای اتفاق اسلامی افغانستان .

۲۷ـ اعلامیهٔ ستاد برگزاری مراسم استقبال هیئت حزب‌وحدت مرکب از نمایندگان دفاتر احزاب اسلامی افغانستان مقیم قم .

۲۸ـ اعلامیهٔ طلاب ومجاهدین ارزگان مقیم مشهد بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۴ تحت عنوان (وحدت خواستهٔ مشروع مردم) .

۲۹ـ اعلامیهٔ طلاب ولایت بغلان و پلخمری‌بتاریخ ۱۳۶۹/۲/۱

۳۰ـ تائید اولین مجمع شیعیان افغانستان در تهران از حزب وحدت اسلامی افغانستان بتاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۴ .

۳۱ـ تائید و پیوستن سازمان تربیت بدنی مهاجرین افغانی‌مقیم تهران به حزب‌وحدت اسلامی بتاریخ ۶۸/۱۲/۲۴

۳۲ـ تائید و حمایت آقای سیرت طالقانی و برادران‌اوزبک‌وترکمن مقیم ایران از حزب وحدت بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۱ .

۳۳ـ اطلاعیهٔ‌حمایت و پیوستن جمعی از طلاب ، دانشجویان ، دانش‌آموزان و مهاجرین دره‌صوف مقیم مشهد مقدس به حزب وحدت اسلامی بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۱ .

۳۴ـ اعلامیهٔ حمایت (انجمن ارشاد اسلامی زنان افغانستان) .

۳۵ـ اعلامیهٔ جمعی از اساتید و طلاب افغانی مقیم مشهد بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۶.

۳۶ـ اعلامیهٔ حمایت جمعی از اساتید و طلاب لعل، تلخک، سرجنگل و کرمان افغانستان مقیم مشهدبتاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۴.

۳۷ـ اعلامیهٔ جمعی از طلاب، مجاهدین و مهاجرین بهسود ـ ترکمن ـ کابل مقیم مشهد بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۵.

۳۸ـ اعلامیهٔ طلاب، دانشجویان، مهاجرین ومجاهدین یکمولنگ پنجاب، ورس، لعل، سرجنگل، بامیان، شهیدان و سیغان مقیم مشهد.

۳۹ـ طومار پشتیبانی از حزب وحدت اسلامی افغانستان (ازمشهد مقدس) باامضای صدها نفر از اقشار مختلف مردم مسلمان افغانستان.

۴۰ـ اعلامیهٔ احزاب و سازمانهای اسلامی عضو شورای ائتلاف اسلامی ـ مشهد بتاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۰.

۴۱ـ اعلامیهٔ انجمن اسلامی دانش‌آموزان افغانی ـ قم.

۴۲ـ اعلامیهٔ طلاب ولایات غور و بامیان ـ قم.

۴۳ـ دانشجویان مسلمان افغانستان از ولایات پروان، میدان، هرات، ارزگان، بامیان، کندوز، بلخ، مزارشریف و غزنی مقیم جمهوری اسلامی ایران ـ قم.

۴۴ـ طلاب، محصلین و دانش‌آموزان ولایت جوزجان ـ ولسوالی سنگچارک مقیم قم.

۴۵ـ طلاب و محصلین ولایت بامیان.

۴۶ـ قطعنامهٔ پایانی کمیتهٔ استقبال و ستاد برگزاری مراسم پنج شب سخنرانی و گردهمائی باشکوه قم در شش ماده بتاریخ ۲۳ رمضان ۱۴۱۰هـ به‌حمایت از حزب‌وحدت وآمادگی برای ادغام دفاتر.

۴۶ـ اعلامیهٔ علماء وطلاب و مجاهدین و مهاجرین سمنگان وبغلان

مقیم قم .

۴۸ـ اطلاعیهٔ حمایت و پیوستن "جبههٔ اسلامی‌فجرافغانستان" به حزب‌وحدت‌اسلامی افغانستان .

۴۹ـ اعلامیهٔ حمایت جمعی از دانش‌آموزان مسلمان افغانستان ـ قم بتاریخ ۱۳۶۹/۱/۳۰ .

۵۰ـ اعلامیهٔ طلاب منطقهٔ جرغی و برجگی از مربوطات ولایت غزنی مقیم قم .

۵۱ـ طومار پشتیبانی از حزب وحدت تهیه شده توسط طلاب افغانی مقیم حوزهٔ علمیه قم باامضای صدهاتن از علماء ، اساتید ،طلاب و مهاجرین افغانی مقیم قم در ۱۵ متر پارچه.

۵۲ـ اعلامیهٔ حمایت علماء وطلاب جاغوری ازحزب وحدت .

۵۳ـ اعلامیهٔ حمایت طلاب افغانی مدرسهٔ امام صادق قم از حزب‌وحدت اسلامی افغانستان .

۵۴ـ اعلامیهٔ جمعی از طلاب و دانشجویان هزارمجات مقیم قم تحت عنوان وحدت جرقهٔ امید .

۵۵ـ اعلامیهٔ حمایت طلاب دایکندی (دره‌خودی) بتاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۰ .

۵۶ـ اعلامیهٔ حمایت طلاب مالستان .

۵۷ـ اعلامیهٔ حمایت علماء ، طلاب ، دانشجویان ، مجاهدین و مهاجرین درمصوف ـ قم بتاریخ ۶۹/۲/۱۲ .

۵۸ـ اعلامیهٔ حمایت اساتید و طلاب افغانی مقیم حوزهٔ علمیه مشهد .

۵۹ـ اعلامیهٔ حمایت طلاب ولایت ارزگان باامضای نزدیک به یکصد نفر .

۶۰- در پایان این قسمت متن اعلام حمایت" اساتید، طلاب و محصلین افغانستانیهای مقیم اصفهان" راکه در ضمن آن از هیئت محترم حزب وحدت دعوت تشریف آوردن به اصفهان رانیز نموده‌اند نقل می‌کنیم :

دعوتنامه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

عنوانی هیئت بلندپایه ومحترم حزب وحدت‌اسلامی افغانستان

نخست سلامهای گرم و درودهای خالصانهٔ برخاسته از ژرفای قلب‌مانرا محضر مبارک پیام‌آوران اتحاد ابراز داشته، موفقیت‌وکامیابی آنانرااز خداوند متعال خواهانیم .

از آنجائیکه احساسات عمیق و خورسندی خودمان را با ورقهٔ هذا نمی‌توان درج و منعکس نمائیم، پوشیده نیست معذرت ما را می‌پذیرید . اماآنچه مسلم و روشن است وحدت نیروهای مبارز ومسلمان در شرائطی چون امروز نه‌تنها اصل مسلم اعتقادی بلکه یک ضرورت تاریخی، ملی و انقلابی ملت مسلمان افغانستان بویژه مردم رنجدیدهٔ ما است و هرگونه‌مخالفت پیدا و ناپیدا، دلیلی بر کج سلیقگی بل‌عدم شعور سیاسی تلقی خواهد شد.. البته بدیهی است که مردم ما انتظار دارند با تحقق وحدت، گرایشهای کور و منفی بهر شکلش، تبدیل به ارزشهای مثبت و سازنده خواهد شد.. نظم و دیسپلین، نظارت‌وپیگیری، تقسیم کارها به اساس لیاقت و کارآئی‌ها، بخصوص ترویج کار فرهنگی از جملهٔ خواستها و انتظارات بحق مردم خواهد بود و ملت ما به امید بهبودی و بهروزی در تمام زمینه‌ها، دل بوحدت بسته و بی‌صبرانه منتظر به ثمر نشستن این شجرهٔ طیبه می‌باشد که بجا است بدینوسیله همکاری صمیمانهٔ خویش را" با حزب وحدت اسلامی" اعلام داشته

و بشدت از این پدیدهٔ مبارک پشتیبانی نمائیم و از هیئت محترم تمنا داریم تا با تشریف‌آوری‌شان به شهر اصفهان ، از نزدیک ما را در جریان پیشرفت کارها قرار داده، با پذیرفتن دعوت ما سرافراز فرمایند .

به امید اتحاد هرچه بیشتر مسلمانان جهان بویژه درافغانستان‌مظلوم

از طرف : اساتید ، طلاب و محصلین افغانستانیهای‌مقیم‌اصفهان .

۶۹/۲/۱۱

خوانندهٔ گرامی و هموطنان مسلمان !

این بود گوشه‌ای از حمایتهای قاطع اقشار مختلف مردم‌مسلمان افغانستان از حزب وحدت اسلامی افغانستان ، که البته به‌آنچه ذکر شد خاتمه نمی‌یابد چون؛ بسیاری از اسناد و مدارک در این رابطه بدست من نرسیده است و همچنین حمایتهای قاطع مردم در مراسم‌های استقبال از هیئت و برگزاری نشستها و گردهمائیهای پرشور و گسترده و کم‌نظیر و سخنرانیهای مفصل و تحلیلی و اشعار و سروده‌های انقلابی و مقالات فراوان حماسی و توام با هیجانهای توصیف‌ناپذیر نویسندگان‌وخوانندگان و نعره‌های کوبنده و دشمن شکن و وحدت‌آفرین تکبیر حضار چند هزارـ نفری جلسات سخنرانی ، غیر از آنستکه ما در این نوشته آوردیم وحتما نوارها و فیلم‌های آن در دسترس مهاجرین مسلمان افغانستانی‌قرارگرفته است .

انتظار ما آنستکه توده‌های میلیونی مسلمان بیش از پیش‌به‌حمایت و پشتیبانی همه‌جانبهٔ خویش ادامه داده و با تشریک مساعی و بذل همکاری و جدیت و تلاش، شجرهٔ مبارکهٔ وحدت را به بار بنشانند ومتقابلا انتظار ما از حزب وحدت اسلامی هم اینستکه‌به‌مشکلات‌ودردهای نهفته و زخمهای دیرینه و آرمانها و خواسته‌های برحق توده‌های مردم ،

داشته است که قیام علامهٔ شهید سید اسماعیل بلخی در اواخر دههٔ بیست و تداوم مبارزهٔ آن شهید بزرگوار در طول دوران زندان و پس از زندان و قیام‌های کوچک و بزرگ دیگر، نمونهٔ آشکار وبارز این مبارزات است ولی اوج مبارزات سیاسی و تشکل مجموعه‌های مبارزاتی از اواخر دههٔ چهل و اوائل دههٔ پنجاه آغاز می‌شود و اگر نمی‌بودکودتای ننگین روسی در سال ۱۳۵۷، مجموعه‌های مبارز اسلامی بصورت طبیعی رشدیافته و بر سیر حوادث سیاسی کشور بطور کامل تسلط می‌یافتند اما کودتای باند خلق و پرچم با پشتوانهٔ روسها ودگرگون شدن اوضاع سیاسی ــ اجتماعی کشور، موجب شد که کمیت و کیفیت مبارزه و مجموعه‌های مبارز نیزدگرگون شود که یکی از آثار و پیامدهای این دگرگونی، پیدایش و رویش‌متزاید سازمانها وگروه‌ها و "تعدد احزاب" بود. البته چنین تعددی درآغاز هر جنبش و انقلابی، یک امر طبیعی است زیرا هنگامی‌که عواطف‌واحساسات زندهٔ یک ملت بر ضداستبداد و نظام کفر و شرک برانگیخته می‌شود، هر جمع وگروهی احساس مسئولیت نموده و متصدی یک قیام قهرآمیز در محیط اجتماعی خود می‌شود و به این ترتیب گروه‌های متعددی در صحنه ظهور می‌یابند که بطور کلی انگیزه‌های چنین تعددی بــه دو عامل برمی‌گردد:

۱ــ اطلاع نداشتن گروهها از همدیگر و از تشکیلات و گروه‌های دیگری که در ساحهٔ انقلاب مشغول فعالیت هستند.

۲ــ احساس بعضی از مجموعه‌ها، عدم قدرت و لیاقت‌وتوانائی احزاب موجود در ساحه را و بنابراین برخود لازم می‌دانند که دست‌به‌کار شوند و با دید عمیق‌تر و خط مشی‌کاملتر و روشن‌تر حرکت کنند و گروه دیگری را تشکیل بدهند.

تعدد احزاب باانگیزه‌های مزبور، یک تعدد مثبت وسازنده است

توجهی عمیق و کارساز نموده و به این همه امید و آرزو جامهٔ عمل بپوشاند .

پایان

ثور (اردیبهشت) ۱۳۶۹

HEZBE WAHDATE ISLAMIE
Afghanistan.
حزب وحدت اسلامی افغانستان



حزب وحدت اسلامی افغانستان

قیمت: ۲۵ تومان ویا معادل آن
انتشارات وحدت شماره ۱

فهرست مطالب

در صورتیکه همکاری و هماهنگی و همفکری در میان آنها وجود داشته‌باشد وهمگی در پوشش‌های حزبی متعدد، بسوی هدف واحد حرکت کنند و با وجود تعدد در تشکیلات، احساس" وحدت" کنند و بفهمند که همگی در حزب واحد و در سایهٔ پرچم اسلام و بر اساس اخوت اسلامی حرکت می‌کنند.

اما گاهی تعدد احزاب، تبدیل به یکنوع تعدد تخریبی و نزاع‌ــ برانگیز می‌شود و سازندگی خود را از دست می‌دهد. تعدد تخریبی‌ومنفی معلول چند عامل است:

۱ــ خود محوری و مطلق‌سازی: بدین مفهوم که افرادی بخاطر یک سلسله ویژگی‌هاوامتیازات و یا بخاطر خودخواهی و ریاست‌طلبی خیال می‌کنند که تنها آنها می‌توانند جنبش را رهبری کنند و با این خیالات همکاری‌کردن با دیگران را برای شخصیت خیالی خود کسرشان می‌پندارند و لذا دست به تاسیس گروه دیگر زده و تشکیلات جدیدی را در عرض تشکیلات موجود، بوجود می‌آورند.

۲ــ تضاد درونی و انشعاب: گاهی هم تعدد تخریبی بخاطر تضادهای داخلی و انشعابات در یک حزب و تشکیلات می‌باشد. انشعاب در یک حزب، بخاطر حوادث و فشارهای خارجی یاابهام در روش و خط مشی عملی و یا جمود و رکود کادر رهبری و یاعدم درک صحیح اعضاء از مواضع واهداف جنبش و یا اختلاف در تحلیل و ارزیابی شکستهاوبحرانها و یا تکروی و انحراف فرد یا افراد و یا عوامل دیگر پدید می‌آید و بهر علت و عاملی که باشد، موجب تعدد منفی و تخریبی در سطح جنبش می‌گردد.

۳ــ گاهی هم دخالت دستهای خارجی و قدرتها و دولتها و ابرقدرتها و توطئه‌ها و دسایس دشمن موجب تاسیس گروه‌های جدید ویا

تشکیل حزب وحدت اسلامی

نقطه عطفی مهم و تعیین کننده

در تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان

تشکیل حزب وحدت اسلامی

نقطه عطفی مهم وتعیین کننده

در تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان

شناسنامه کتاب :

نام : تشکیل حزب وحدت اسلامی ، نقطه عطفی مهم در تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان

نویسنده‌وتهیه‌کننده : کمیسیون فرهنگی‌حزب وحدت‌اسلامی‌افغانستان

تاریخ انتشار : بهار ۱۳۶۹

ناشر : انتشارات‌وحدت وابسته‌به‌حزب‌وحدت‌اسلامی‌افغانستان

شماره : یک (۱)

چاپ : اول

چاپخانه : مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ـ قم

قیمت : ۲۰ تومان یا معادل آن